

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

سال چهارم، شماره پیاپی ۹، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۵/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۱۵

صص ۱-۲۴

بررسی رابطه مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر جوانان: مطالعه موردی شهر شیراز

حبیب احمدی، استاد بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

مهدی معینی، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز*

چکیده

پژوهش حاضر با استفاده از نظریه کنترل اجتماعی تراویس هیرشی به عنوان چارچوب نظری پژوهش به بررسی رابطه بین مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر جوانان پرداخته است. بر مبنای روش پیمایشی، داده‌های پژوهش به وسیله پرسشنامه از تعداد ۶۰۰ نفر از جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر شیراز به روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای مختلط گردآوری شد. نتایج آزمون فرضیات نشان داد بین درآمد، دلبستگی به خانواده و دوستان، تعهد به هنجارها، مشارکت، باور به اصول اخلاقی، مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، به لحاظ رفتارهای پرخطر، بین جنس، وضعیت تأهل، طبقه اجتماعی، ساختار خانواده تفاوت معناداری وجود داشت. اما بین سن، تحصیلات و رفتارهای پرخطر رابطه معناداری مشاهده نشد. معادله رگرسیونی مربوط به تحلیل چند متغیره متغیرهای مستقل برای پیش‌بینی متغیر وابسته رفتارهای پرخطر نیز نشان داد که در مجموع، چهار متغیر تعهد به هنجارها، جنس (مرد)، باور به اصول اخلاقی و مهارت‌های اجتماعی توانستند ۴۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند.

واژه‌های کلیدی: رفتارهای پرخطر، مهارت‌های اجتماعی، جوانان، شیراز

مقدمه

جوانی ساخت جمعیت و تأخر فرایند جامعه‌پذیری نسبت به نظم نوین جهانی در جامعه در حال گذار ایران معاصر، به رشد مسأله بزهکاری جوانان و نوجوانان منجر شده است. در این زمینه، جوانانی که نمی‌توانند به خاطر ضعف عملکرد کارگزاران و عوامل جامعه‌پذیری و نابسامانی فضای ساختی حاکم بر نظام اجتماعی، تمایلات خود را به سوی رفتارهای هم‌نوا و بهنجار هدایت نمایند، ناگزیر به ناهم‌نواپی کشیده شده و رفتارهای انحرافی و بزهکارانه از خود بروز می‌دهند (محمدی اصل، ۱۳۸۵).

رفتارهای بزهکارانه جوانان انواع مختلفی دارد که بر حسب عمق، شدت و پیامدهای آن به بزهکاری‌های شدید مانند تجاوز به عنف، سرقت مسلحانه، سوء مصرف الکل و مواد مخدر و بزهکاری‌های ملایم نظیر: فرار از خانه و مدرسه، تخریب اموال عمومی و خصوصی و دزدی‌های کوچک تقسیم می‌شوند. در این پژوهش به رفتارهای بزهکارانه شدید که با عنوان رفتارهای پرخطر^۱ نامیده می‌شوند، پرداخته می‌شود.

مفهوم رفتار پرخطر به عنوان رفتاری تعریف می‌شود که می‌تواند بهزیستی، سلامتی و مسیر زندگی را به خطر بیندازد و دارای نتایج منفی و پیامدهای مضر می‌باشد. برای مثال، مصرف مواد مخدر می‌تواند به آزار و اذیت والدین منجر شود، فعالیت زود هنگام جنسی می‌تواند به بچه‌زایی ناخواسته منجر گردد، یا پیامد ترک تحصیل، بیکاری مزمن می‌باشد. در اینجا باید به دو مسأله توجه نمود؛ مسأله اول پیامدها و نتایج مخرب ناشی از درگیری نوجوانان و جوانان در رفتارهای پرخطر می‌باشد، مسأله دوم این است که چرا نوجوانان و جوانان اقدام به رفتارهای پرخطر می‌کنند (جسور^۲، ۱۹۹۸). رفتارهای پرخطر به رفتارهایی گفته می‌شود که احتمال نتایج منفی و مخرب جسمی، روان‌شناختی و اجتماعی را برای فرد افزایش دهد (زاده محمدی و احمدآبادی، ۱۳۸۷: ۸۸-۸۹).

علل عمده مرگ و بیماری هم در کشورهای صنعتی و هم در حال توسعه به تعداد نسبتاً محدودی از رفتارهای پرخطر برمی‌گردد که عمدتاً از سنین نوجوانی و جوانی شروع می‌شود (آنتینی و همکاران^۳، ۲۰۰۱: ۲۹۵). نوجوانان و جوانان یکی از مهم‌ترین گروه‌های در معرض رفتارهای پرخطر مانند ایدز (مظفرزاده و وحدانی‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۷۳-۱۸۰)، خودکشی (علی‌وردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۱-۱۸)، فعالیت‌های جنسی، خشونت و مواد مخدر هستند (فلیشر و چالتون^۴، ۲۰۰۱: ۲۳۵-۲۴۱؛ باسکین سامرز و سامرز^۵، ۲۰۰۶: ۶۰۹-۶۱۱). از آنجایی که عوامل اجتماعی، خانوادگی و اقتصادی نقش مهمی در سوگیری رفتاری افراد و به ویژه نوجوانان و جوانان ایفا می‌کنند، در صورتی که این عوامل نتوانند نقش خود را به شکل مطلوبی ایفا نمایند، نوجوانان و جوانان دچار چالش شده و ممکن است فشار ناشی از این چالش‌ها و مشکلات، فرد را به سمت رفتارهای پرخطر بکشاند. دوره جوانی، دوره تجربه‌آموزی است و از این رو، با خطرهای گوناگونی در مسیر کسب تجربه مواجه می‌شوند (باریکانی، ۱۳۸۷: ۱۹۲-۱۹۳).

بسیاری از رفتارهای پرخطر مانند سیگار، الکل، مواد مخدر و روابط جنسی نامطمئن در سنین نوجوانی و جوانی اتفاق می‌افتد. مطالعات نشان دادند که اغلب رفتارهای پرخطر مانند مصرف سیگار، الکل، مواد و رفتارهای جنسی نامطمئن در سنین قبل از ۱۸ سالگی شروع می‌شوند (برگمن و اسکات^۶، ۲۰۰۱: ۱۸۳-۱۹۷). در ایران اکثر موارد بی‌مبالاتی جنسی (۵۵/۶ درصد) در سنین ۱۶ تا ۲۱ سالگی رخ می‌دهند. میانگین سن شروع سیگار در ایران ۱۶/۶ سال بوده و بالاترین نسبت معتادان کشور (۴۵/۷ درصد) در فاصله ۱۷ تا ۲۲ سال مصرف مواد را آغاز کرده‌اند (زاده محمدی و احمدآبادی، ۱۳۸۷: ۸۹). براساس آمار سازمان پزشکی قانونی نیز، شایع‌ترین علل مرگ جوانان و نوجوانان زیر ۲۵ سال در ایران، در مرتبه اول تصادفات رانندگی و سپس به ترتیب مسمومیت‌های ناشی از

³ Anteghini et al.

⁴ Flisher & Chalton

⁵ Baskin-Sommers & Sommers

⁶ Bergman & Scott

¹ High Risk Behaviors

² Jessor

مهارت‌های اجتماعی موجب بروز رفتارهایی مانند بزهکاری، ناسازگاری، افت تحصیلی (نصر اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳: ۴۹-۶۴)، مصرف مواد و اعتیاد (قاسم زاده و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۲-۴۰) می‌گردد. دارا بودن مهارت‌های اجتماعی زمینه مشارکت فعال فرد در اجتماع را فراهم نموده و باعث می‌شود وی در رویارویی با وضعیت‌های دشوار اجتماعی واقعی، واکنش‌های اجتماعی مؤثری از خود بروز دهد. در واقع، داشتن مهارت‌های اجتماعی، توانایی‌های بالقوه فرد را به بالفعل تبدیل می‌کند و برای ایجاد، حفظ و سازماندهی یک رابطه انسانی ضروری می‌باشند.

برخی از تحقیقات به بررسی رابطه بین زندگی در محیط‌های شهری و رفتارهای پرخطر پرداختند و نتایج به دست آمده نشان داد که زندگی در محیط‌های شهری توأم با رفتارهای پرخطر بیشتری است (لوین و کوپی، ۲۰۰۳: ۳۵۰-۳۵۵). از آنجایی که در محیط‌های شهری و به ویژه شهرهای بزرگ با پدیده گمنامی مواجه هستیم و تراکم و ناهمگونی جمعیت نیز افزایش پیدا می‌کند، کنترل‌های اجتماعی غیررسمی دچار ضعف گردیده و کنترل‌های رسمی نیز جوابگوی جمعیت زیاد شهرهای بزرگ نیستند، لذا میزان وقوع رفتارهای بزهکارانه و پرخطر نیز بیشتر می‌باشد. در شرایط گذار نیز کارگزاران جامعه‌پذیری، در ایفای نقش خود و درونی کردن ارزش‌ها و هنجارها و رفتارهای قانونمند و سازگار با مشکل مواجه می‌شوند. شهر شیراز یکی از کلانشهرهای ایران می‌باشد که با جمعیت بالای یک میلیون نفر و قرار گرفتن در موقعیت جغرافیایی خاصی، سیل مهاجرت از استان‌های جنوبی را به سوی خود روانه نموده است. بیشتر این مهاجران دارای تنوع فرهنگی و قومی بوده و همین عامل خود زمینه رفتارهای بزهکارانه آنان را فراهم می‌نماید.

زندگی در شرایط گذار و نامطمئن بودن نسبت به آینده باعث می‌شود که جوانان تصمیم‌های توأم با ریسک و خطر

الکل، مواد مخدر، خودکشی و در نهایت بیماری سرطان بوده است. نتایج تحقیقات دیگر، در رابطه با روسپیگری نشان می‌دهد که نزدیک به ۷۵ درصد از زنان روسپی ارجاع شده به مراکز بازپروری بین ۱۵ تا ۲۴ سال داشتند (گرمارودی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۴).

وقوع رفتارهای پرخطر در سنین نوجوانی و جوانی و شیوع آنها در بین جوانان در نتیجه اختلال در برخی مکانیسم‌ها و ناشی از عوامل متعددی می‌باشد. یکی از این موارد، مهارت‌های اجتماعی است. امروزه داشتن مهارت‌های اجتماعی رکن لازم و اساسی زندگی اجتماعی بوده و بهره‌مندی از آن می‌تواند نقش مهمی در بازدارندگی^۱ رفتارهای پرخطر به ویژه در بین جوانان داشته باشد، زیرا دوره جوانی، یک دوره گذار و همراه با بحران‌های مختلفی می‌باشد.

مهارت اجتماعی^۲ عبارت است از رفتارهای انطباقی فراگرفته که فرد را قادر می‌سازد با افراد مختلف روابط متقابل داشته باشد، واکنش‌های مثبت بروز دهد و از رفتارهایی که پیامد منفی دارد، اجتناب نماید (کارتلیج و میلبرن، ۱۳۶۹). مهارت‌های اجتماعی رفتارهایی هستند که تحول آنها می‌تواند بر روابط بین افراد از یک سو و بهداشت روانی آنان و نیز عملکرد مفید در اجتماع از سوی دیگر، مؤثر باشد (ماتسون، ۱۹۹۰؛ به نقل از حسین چاری و دلورپور، ۱۳۸۵: ۱۲۶). در واقع، کسی دارای مهارت اجتماعی است که با دیگران طوری رفتار کند که بتواند به حقوق، الزامات، رضایت خاطر و انجام وظایف خود در حد معقولی نائل آید، بدون آن که حقوق، الزامات، رضایت خاطر یا وظایف دیگران را نادیده بگیرد و در عین حال مبادله‌ای آزاد با دیگران داشته باشد (فیلیپس، ۱۹۷۸: ۱۳؛ به نقل از هارجی و همکاران، ۱۳۹۲). ضعف در

¹ Deterrence

² Social Skill

³ Kartledge & Milburn

⁴ Matson

⁵ Phillips

⁶ Hargie et al.

⁷ Levine & Coupey

مورد در دسترس را مورد بررسی قرار دادند. افراد انتخاب شده به صورت مساوی در دو گروه آزمایش و شاهد قرار گرفتند. از هر دو گروه، پیش آزمون و پس آزمون صورت گرفت. پس از یک ماه پیگیری، نتایج نشان داد که مهارت‌های ارتباطی و تعاملی در گروه آزمایش در مقایسه با گروه شاهد افزایش معناداری داشته است. در گروه شاهد یک نفر پس از یک ماه دچار لغزش شد، اما هیچ یک از افراد در دو گروه عود یا بازگشت نداشتند.

مقتدایی و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی اثربخشی برنامه آموزش مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی بر میزان رفتارهای قربانی کودکان پسر مقطع ابتدایی شهر اصفهان پرداختند. افراد مورد بررسی شامل ۴۰ دانش آموز قربانی بود که بر اساس نمونه‌گیری چندمرحله‌ای، انتخاب و در دو گروه آزمایش و کنترل ۲۰ نفری تقسیم شدند. مداخله آموزشی مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی بر روی گروه آزمایش اجرا شد. در پس آزمون و پیگیری مقیاس سنجش روابط همگنان بر دو گروه کنترل و آزمایش مجدداً اجرا گردید. یافته‌های تحلیل کوواریانس داده‌ها نشان داد که برنامه آموزشی مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی، به کاهش میزان رفتارهای قربانی و رفتارهای زورگویی کودکان قربانی منجر شد.

باریکانی (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان "رفتارهای پرخطر در نوجوانان مدارس راهنمایی و دبیرستان‌های شهر تهران"، تعداد ۷۰۰ دانش آموز دختر و پسر را در مناطق ۱۰، ۱۳ و ۱۸ آموزش و پرورش شهر تهران، به روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای-تصادفی مورد آزمون قرار داد. نتایج نشان‌دهنده وجود رفتارهای پرخطری مانند مصرف سیگار، الکل و سایر مواد در بین دانش‌آموزان بود. ۱۲ درصد پاسخگویان سیگار مصرف می‌کردند، ۳۰/۶ درصد تجربه مصرف قلیان را داشتند، ۱۰ درصد الکل و ۲ درصد نیز هرویین مصرف کرده بودند.

زاده‌محمدی و احمدآبادی (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان "هم‌وقوعی رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان دبیرستان‌های شهر تهران"، با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و متناسب با حجم،

بگیرند. تا جایی که بر مبنای داده‌های سازمان ملی جوانان (۱۳۸۳)، حدود ۴۰ درصد از جوانان آینده شغلی روشنی پیش روی خود نمی‌بینند. بنابراین، شرایط زندگی نقش مهمی در خطرپذیری جوانان امروزی دارد. نشانه‌های گرایش جوانان به خطرپذیری را می‌توان در رواج ورزش‌های مهیج و خطرناک مانند صخره نوردی آزاد، مصرف مواد مخدر توهم‌زا مانند قرص‌های اکستازی و داروهای انرژی‌زا (ذکائی، ۱۳۸۷)، داشتن فعالیت‌های نامطمئن جنسی، مصرف الکل، اقدامات خشونت‌آمیز، اقدام به خودکشی و خودزنی (بال و همکاران، ۱۳۹۱) مشاهده نمود.

در این شرایط، مجهز بودن جوانان به سلاح‌هایی مانند: مهارت‌های اجتماعی، میزان خطرپذیری و ریسک را کاهش داده و توانمندی‌های بالقوه آنان را عملیاتی می‌کند. بدین ترتیب، آموزش مهارت‌های اجتماعی، فرایندهای حل مسئله جوانان را تقویت نموده و رفتارهای پرخطر و عوامل ریسک که تهدید بزرگی برای جوانان می‌باشد، را کاهش می‌دهد.

از این رو، پژوهش‌های مرتبط با جوانان باید به دنبال نشان دادن این پیچیدگی‌ها، تغییرپذیری‌ها در تجربه جوانی، چگونگی مواجه شدن آنان با مشکلات و موقعیت‌های ناسازگارانه و ارائه راه حل‌های کارآمد و مداخله‌گر و الگوهای حل مسئله در برابر این شرایط دشوار باشد. لذا در این پژوهش، دستیابی به موارد ذکر شده از ضرورت‌های عملی آن محسوب می‌شود. بر این اساس، از جمله اهداف این تحقیق بررسی عوامل اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی و متغیرهای جمعیت‌شناختی مرتبط با رفتارهای پرخطر جوانان می‌باشد.

پیشینه تحقیق

رضانی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان "تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر درمان اعتیاد افراد مراجعه‌کننده به کلینیک تهران"، تعداد ۲۰ نفر از افراد مبتلا به اختلال مصرف مواد مراجعه‌کننده به کلینیک تهران به صورت

¹ Bull et al.

گروه آزمایش، تغییر مثبت و اندکی در رابطه با اضطراب اجتماعی از خود نشان داد. بعد از ۱۲ ماه، نمونه کوچکی از گروه آزمایش (بچه‌هایی که کمپ مستمر را دنبال نمودند) تغییرات مثبت بیشتری را در رابطه با همه شاخص‌ها نشان دادند، به جز در باره مشکلات درونی که تغییر کمی پیدا کرد.

بری و اوکونور^۲ (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان "خطر رفتاری، روابط معلم^۳ دانش‌آموز، و توسعه مهارت اجتماعی"، به بررسی فرایندهای رشد مهارت‌های اجتماعی از مهد کودک تا کلاس ششم پرداختند و نقش مشکلات رفتاری اولیه و روابط معلم^۳ دانش‌آموز در توسعه مهارت اجتماعی بچه‌ها را مورد ارزیابی قرار دادند. از تحلیل داده‌ها چند نتیجه مهم به دست آمد. اول اینکه بطور کلی، بچه‌ها مسیر رشد مهارت اجتماعی منحنی شکلی را از مهد کودک تا کلاس ششم نشان دادند، به شکلی که یک دوره افزایش در سال‌های اولیه و اواخر ابتدایی و یک دوره کاهش ناچیز در سال‌های ماقبل آخر دوره ابتدایی مشاهده شد. دوم اینکه، دانش‌آموزان با سطوح بالاتری از مشکلات رفتاری درونی ماقبل مدرسه، سطوح پایین‌تری از مهارت‌های اجتماعی مهد کودک و فرایندهای رشد مهارت اجتماعی متفاوتی نسبت به همسالان خود را نشان دادند. سوم اینکه، دانش‌آموزانی که دارای رابطه بهتری با معلم خود بودند، مهارت‌های اجتماعی بیشتری را از مهدکودک تا کلاس ششم در مقایسه با همسالان دارای روابط کم با معلم، از خود نشان دادند.

سکر و همکاران^۳ (۲۰۰۹) در تحقیقی به بررسی رابطه مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای مشکل‌آفرین بچه‌های دارای سبک‌های شناختی متفاوت پرداختند. به همین منظور، تعداد ۳۶۶ دانش‌آموز که دوره پیش دبستانی را گذرانده بودند، را انتخاب نمودند. بر مبنای نتایج به دست آمده، بچه‌های دارای سبک شناختی تکانشی، از منظر مشارکت و تعامل اجتماعی نسبت به بچه‌های با سبک شناختی بازتابی، دارای کارآمدی

تعداد ۸۰۷ دانش‌آموز دختر و پسر دبیرستانی شهر تهران را انتخاب و مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها نشان داد که برحسب یک مقیاس ۵ قسمتی، میانگین خرده مقیاس‌های گرایش به جنس مخالف ۳/۲۴، رابطه و رفتار جنسی ۲/۱۵، مصرف الکل ۲/۰۰، مصرف سیگار ۱/۸۷ و مصرف مواد مخدر و روان‌گردان ۱/۷۴ بوده است. همچنین، نتایج حاکی از این بود که بین تمامی رفتارهای پرخطر رابطه مثبت و معناداری برقرار است. مصرف الکل، دوستی با جنس مخالف و مصرف مواد مخدر و روان‌گردان به همراه جنسیت (پسر)، تحصیلات مادر (دانشگاهی)، رشته تحصیلی (انسانی) و درآمد خانواده (زیر ۲۰۰ هزار تومان) بیشترین واریانس خطرپذیری جنسی نوجوانان را تبیین کرده است.

سلیمانی‌نیا (۱۳۸۶) در تحقیقی به بررسی تفاوت‌های جنسیتی نوجوانان در ارتکاب انواع رفتارهای پرخطر پرداخت. نمونه مورد پژوهش شامل ۳۸۵ نوجوان دختر و پسر ۱۴ تا ۱۹ ساله دبیرستان‌های منطقه ۵ تهران بود. نتایج به دست آمده نشان داد که شایع‌ترین رفتار پرخطر در بین نوجوانان، مصرف الکل، پس از آن به ترتیب، مصرف سیگار، رفتار جنسی نایمن، خشونت، مصرف مواد و اقدام به خودکشی بوده است. یافته‌ها همچنین، بیانگر تفاوت معنادار پسران و دختران در رابطه با رفتارهای پرخطری مانند مصرف سیگار، مصرف الکل و مواد مخدر بوده است، اما در رابطه با خشونت، خودکشی و رفتار جنسی نایمن تفاوت معناداری مشاهده نشد.

فن فوگت و همکاران^۱ (۲۰۱۳) در تحقیقی به بررسی آموزش مهارت‌های اجتماعی گروه محور در بین گروهی از دانش‌آموزان دارای مشکلات رفتاری پرداختند. به همین منظور، آنان تعداد ۱۶۱ دانش‌آموز را انتخاب نمودند. اثرات مداخله در قالب یک مطالعه شبه آزمایشی همراه با یک ارزیابی ۱۲ ماه بعد از کمپ مستمر اختیاری تست شد. در ارزیابی سریع، هر دو گروه کنترل و آزمایش مشکلات اجتماعی و درونی کمتری را نشان دادند، در حالی که فقط

² Berry & O'Connor

³ Secer et al.

¹ Van Vugt et al.

نموده و بر این پیش فرض استوار است که بزهکاری با برخی از ویژگی‌های شهرنشینی مانند: زبان، قومیت، مهاجرت، حوزه‌های سکونت گاهی و تراکم جمعیت رابطه دارد. پارک معتقد بود که نواحی شهری از انگیزه‌ها و گرایز ساکنان معانعت می‌کند و موجب انحرافات اجتماعی می‌شود (احمدی، ۱۳۸۴).

نظریه بی‌سازمانی اجتماعی: نظریه بی‌سازمانی اجتماعی مطرح شده توسط پارک به وسیله دو تن از شاگردان مکتب شیکاگو به نام‌های شاو و مک کی^۳ توسعه پیدا کرد (همان). آنها معتقد بودند که مشکلات اجتماعی شهر شیکاگو به علت الگوهای کنترل نشده مهاجرت و ایجاد منطقه‌های طبیعی است که در این مناطق، اهالی از فرهنگ کلی جامعه جدا افتاده‌اند. در واقع، این مناطق از سایر نقاط شهر جدا افتاده، هنجارها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری دیگری در آنجا شکل گرفته است که با فرهنگ مسلط در دیگر مناطق در تضاد می‌باشد. در این مناطق گرایش‌های فرهنگی خاصی شکل گرفته، به طوری که افراد مرتباً در معرض یادگیری الگوهای موافق قانون‌شکنی هستند. بنابراین، در این مناطق جرم و جنایت بیشتر اتفاق می‌افتد. علت کجرفتاری و ارقام بالای آن در این مناطق بی‌سازمانی اجتماعی است. به این معنی که شیوه بهنجار رفتار در همه سطوح جامعه به یک شکل رشد و توسعه پیدا نکرده است (ممتاز، ۱۳۸۱). از این رو، نرخ بزهکاری جوانان در این مناطق از مناطق دیگر بیشتر است (محمدی اصل، ۱۳۸۵).

نظریه خرده فرهنگ بزهکارانه جوانان: کوهن^۴ در کتاب خود با عنوان *پسران بزهکار*^۵ (۱۹۵۵)، نظریه خرده فرهنگی را با تفکیک نمودن رفتار انحرافی جوانان از انحرافات اجتماعی بزرگسالان و تأکید بر بزهکاری پسران طبقات پایین تدوین کرد. کوهن در پاسخ به این سؤال که چرا خرده‌فرهنگ بزهکارانه وجود دارد و به جوانان منتقل می‌شود؟ نظریه‌ای

کمتری بودند، در حالی که دارای رفتارهای بیش فعالی، ضد اجتماعی و پرخاشگرانه بودند.

بارکین و همکاران^۱ (۲۰۰۲) در تحقیقی با عنوان مهارت‌های اجتماعی و نگرش‌های مرتبط با مصرف مواد در میان جوانان، به بررسی نگرش‌های جوانان و مهارت‌های اجتماعی تأثیرگذار بر مصرف مواد مخدر در حال حاضر و قصد آنها برای استفاده از مواد مخدر در آینده پرداختند. مدل رگرسیون خطی چندمتغیره نشان داد که جرأت نه گفتن، نگرش مثبت نسبت به مصرف مواد، ادراک همسالان مصرف‌کننده مواد، جنسیت مرد، حمل اسلحه و درگیری و نزاع در حدود ۵۱ درصد از واریانس مقیاس مصرف مواد در حال حاضر را تبیین نمودند. مصرف مواد مورد انتظار در طول سال بعدی به طور معناداری با مصرف مواد در حال حاضر، نگرش مثبت به مصرف مواد، جرأت نه گفتن، مهارت‌های مقابله با مصرف مواد، حمل اسلحه و درگیری و نزاع دارای ارتباط بود. این مدل در حدود ۷۴ درصد از تغییرات مصرف مواد مورد انتظار را تبیین کرد.

مبانی نظری

رویکردهای مختلفی در جامعه‌شناسی، به تبیین مقوله بزهکاری و رفتارهای پرخطر پرداختند که در ادامه به برخی از این رویکردها اشاره می‌شود.

نظریه بوم‌شناختی: جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو در دو سطح کلان و خرد به بررسی مسائل شهری پرداختند. تحقیقات آنها هم شامل نظریه‌های کلان می‌باشد که نشان می‌دهد چگونه ارقام جرم و جنایت در میان اجتماعات گوناگون متفاوت است، همچنین، نظریات سطح خرد را شامل می‌شود که به جریان‌های روان‌شناسی اجتماعی توجه دارد که زیربنای این جریان‌ها در سطح کلان هستند (شارع پور، ۱۳۸۷). در مکتب بوم‌شناختی شیکاگو، نظریه بوم‌شناختی پارک^۲ با رویکرد جامعه‌شناسی شهری، بزهکاری جوانان را تبیین

³ Shaw and McKay

⁴ Cohen

⁵ Delinquent Boys

¹ Barkin et al.

² Park

وی مبتنی بر ویژگی‌های طبقاتی جوانان طبقات پایین جامعه است و خرده فرهنگ‌های بزهکاری که بزهکاران طبقات پایین جامعه به وجود می‌آورند، پاسخ به خرده فرهنگ طبقه خود است (احمدی، ۱۳۸۴).

میلر معتقد است که پسران طبقه پایین از خرده فرهنگ خود تبعیت می‌کنند. آنها زمانی در چشم جامعه کلان، بزهکار جلوه می‌کنند که بخواهند رفتار مقبول خرده فرهنگ خود را در پرتو ارزش‌های این خرده فرهنگ‌ها شامل: در دسر طلبی، زرنگی، هیجان طلبی، ماجراجویی، تقدیرگرایی و استقلال طلبی نشان دهند (میلر، ۱۹۵۹ به نقل از، محمدی اصل، ۱۳۸۵). برای تحقق این ارزش‌هاست، که پسران تجربه و کیفیت شخصی خاصی را پرورش می‌دهند و از این رهگذر به بزهکاری گرایش پیدا می‌کنند. آنها از این طریق زندگی را با والدین و همسالان‌شان تجربه نموده و جامعه‌پذیر می‌شوند. این جامعه‌پذیری هم از فرهنگ طبقه متوسط متنفر است و این افراد به غفلت از هنجارها و ارزش‌های فرهنگ غالب می‌پردازند. بدین ترتیب، از نظر میلر، بزهکاری پسران محلات بدنام، محصول جامعه‌پذیری در خرده فرهنگ بزهکارانه خصوصاً در محلات بدنام است (محمدی اصل، ۱۳۸۵).

نظریه برچسب زنی: نظریه برچسب زنی^۳ رویکرد جامعه‌شناختی کاملاً متمایزی است که بر روی نقش برچسب‌زنی اجتماعی در گسترش جرم و انحراف تأکید می‌کند (برنبرگ، ۲۰۰۹: ۱۸۷). پیش فرض اساسی نظریه برچسب زنی این است که تعریفی که جامعه از برخی رفتارهای انسان ارائه می‌کند، اساس و مبنای انحراف اجتماعی می‌باشد (احمدی، ۱۳۸۴).

نظریه برچسب زنی مدعی است که واکنش‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی بر بزهکاری می‌تواند نگرش‌ها و رفتارهای اساسی بزهکاران را تحت تأثیر قرار دهد. از اولین مواردی که پیامد برچسب زنی رسمی را بر بزهکاری به طور

کلی درباره چگونگی پیدایش خرده فرهنگ بزهکار ارائه می‌دهد (احمدی، ۱۳۸۴).

بحث اصلی کوهن این است که عضویت در طبقه اجتماعی با ارزش‌های اجتماعی و سبک‌های زندگی ارتباط دارد. با توجه به شیوه‌های تربیت کودک در طبقه متوسط و طبقه کارگر (پایین)، احتمالاً به کودکان می‌آموزند که رفتار باید خودانگیخته و پرخاشگرانه باشد. ارزش‌های این طبقه بر زمان حال با تأکید اندکی بر برنامه‌ریزی دراز مدت تمرکز می‌کنند. اجتماعی شدن یا آموزش در طبقات پایین به ملایمت پیش می‌رود و کودک یاد می‌گیرد از دستورات پیروی کند. برخلاف این، کوهن بیان می‌کند که در طبقه متوسط، اجتماعی شدن و تربیت کودک با تأکید بر ارزش‌ها و سبک‌های زندگی اغلب متضاد با مواردی است که در طبقه پایین مطرح می‌باشد. ارزش‌های طبقه متوسط شامل پویایی ذاتی و جاه طلبی، مسئولیت‌پذیری فردی، پیشرفت و موفقیت، کامروایی معوق، کنترل رفتار خشن، تمرین تبعیت از قانون و احترام به اموال دیگران می‌باشد (شوemaker^۱، ۱۳۸۹).

در حالی که دو نظام ارزشی طبقاتی متفاوت وجود دارد، در مدرسه عمدتاً ارزش‌های طبقه متوسط حاکم است. در نتیجه جوانان متعلق به طبقه پایین، خودشان را با معیارهای مقیاس طبقه متوسط ارزیابی می‌کنند (همان). بر مبنای ارزش‌های مدرسه، کسی موفق می‌شود که خصایص طبقه متوسط را داشته باشد، در حالی که جوانان طبقه پایین فاقد چنین ویژگی‌هایی هستند و در رقابت با جوانان طبقه متوسط شکست می‌خورند. این شکست احساس ناکامی و سرخوردگی را در آنان ایجاد می‌کند، در نتیجه، جوانان طبقه پایین که دچار ناکامی شده‌اند، در منطقه‌هایی که زندگی می‌کنند، خرده فرهنگ‌های بزهکار را به وجود می‌آورند (ممتاز، ۱۳۸۱).

نظریه فرهنگ طبقه پایین: میلر^۲ نیز از منظر خرده فرهنگ به رفتارهای بزهکارانه جوانان طبقه پایین می‌پردازد. نظریه

³ Labelling Theory

⁴ Bernburg

¹ Shoemaker

² Miller

نظریه رفتار مشکل آفرین: ریچارد جسور در رابطه با رفتارهای پرخطر یک مدل روانی-اجتماعی^{۱۰} ارائه می‌دهد و بر این باور است که باید از همه پیامدهای بالقوه این رفتارها آگاه بود، نه فقط پیامدهای زیستی-بهداشتی (پزشکی) آن را مورد توجه قرار داد. جسور بیان می‌کند که تحلیل هزینه فایده‌ای از عوامل پرخطر^{۱۱} باید انجام شود (عامل خطر در واقع، یک عامل یا شرطی است که مطابق با سلامت، کیفیت زندگی یا خود فرد می‌باشد)، فرد نمی‌تواند به سادگی خود را گرفتار هزینه‌های بالقوه این رفتارها نماید. در دوره نوجوانی، رفتارهای پرخطر می‌توانند تابعی از رشد بهنجار و طبیعی باشند. خواه نوجوانان از این امر آگاهی داشته باشند یا نه، این رفتارها اغلب دارای کارکرد، هدفمند و جهت‌یابی شده هستند (جسور، ۱۹۹۲: ۳۷۴-۳۹۰؛ ۱۹۹۸). نوجوانان ممکن است رفتارهایی مانند سیگار کشیدن، نوشیدن مشروبات الکلی و فعالیت جنسی را انجام دهند تا بدین وسیله تأیید و احترام همسالان خود را به دست آورند، از والدین خود مستقل شوند، احساس رشد و بلوغ ذهنی کسب کنند و با استرس مقابله نمایند. از آنجایی که این اهداف در رشد بهنجار نوجوان مهم هستند، رفتارهای پرخطر، نوجوانان و جوانان را در دستیابی به این اهداف کمک می‌کنند. برعکس، پیامدهای منفی رفتارهای پرخطر می‌تواند بسیاری از امور مربوط به رشد را به مخاطره بیندازد، شایستگی، بلوغ، نقش‌های اجتماعی مطلوب و گذر سالم و صحیح به بزرگسالی را مانع شود (والنسیا و کرامر^{۱۲}، ۲۰۰۰: ۵۳-۵۴).

نظریه زمان بندی بلوغ: چارلز اروین^{۱۳} مدل علی- معلولی رفتار پرخطر را ارائه داده است. این مدل شبیه به مدل روانی- اجتماعی جسور می‌باشد، از این نظر که این مفهوم را تأیید می‌کند که رفتار پرخطر در طول دوره نوجوانی به عنوان یک مؤلفه طبیعی برای رشد اجتماعی- روانی- زیستی ایجاد می‌شود. این مدل علی- معلولی از این نظر منحصر به فرد

بالمقوه منفی شناسایی نموده است، کارهای فردریک تراشر^۱ بر روی گروه‌های جوانان اوباش^۲ در شیکاگو (۱۹۲۷) می‌باشد. حدود یک دهه بعد از تراشر، فرانک تاننباوم^۳ در کتابش با عنوان *جرم و اجتماع*^۴ (۱۹۳۸) اصطلاح "نمایش شر"^۵ را مطرح نمود. وی بر این باور بود که زدن برچسب رسمی به فرد به عنوان بزهکار، می‌تواند وی را وادار به انجام کارهایی کند که او را به آن کارها شناخته‌اند. چند سال بعد از انتشار کتاب *تاننباوم*، ادوین لمرت^۶ (۱۹۵۱) مفهوم کجرفتاری اولیه^۷ اولیه^۷ و ثانویه^۸ را بیان کرد که از عناصر اصلی اولین دیدگاه نظام یافته در این زمینه به شمار آمد (شومیکر، ۲۰۰۹).

نکته جالب توجه این است که نظریه برچسب زنی در خلال دهه ۱۹۵۰ مسکوت بود و نظریه‌های ساختاری متعددی به تبیین بزهکاری به ویژه گروه‌های بزهکاری اوباش طبقات پایین پرداختند (نظریه‌های خرده فرهنگی). طرح دوباره این موضوع به ویژه به واسطه تحلیل‌های هوارد بکر^۹ از کجرفتاری در اوایل دهه ۱۹۶۰ (که بعدها در سال ۱۹۷۳ مورد تجدید نظر قرار گرفت)، مجدداً آن را در کانون توجه قرار داد (همان).

از آنجایی که واکنش‌های دیگران نقش مهمی در شکل‌گیری هویت ما دارد، برچسبی که در نتیجه واکنش‌های دیگران نسبت به رفتار انحرافی به فرد زده می‌شود، خودانگاره فرد را دگرگون می‌سازد و فرد هویت بزهکارانه یا انحرافی پیدا می‌کند. این امر موجب مشخص شدن هویت فرد بزهکار برای دیگران گردیده و به عنوان فردی برچسب خورده به جامعه معرفی می‌شود. بنابراین، رفتارهای وی متناسب با هویت جدید و در قالب اشکال جدیدی ظاهر می‌شود.

¹ Thrasher

² The Gang

³ Tannenbaum

⁴ Crime and the Community

⁵ Dramatization of Evil

⁶ Lemert

⁷ Primary Deviance

⁸ Secondary Deviance

⁹ Becker

¹⁰ Psychosocial Model

¹¹ Risk Factors

¹² Valencia & Cromer

¹³ Irwin

نظریات مهارت اجتماعی: در رابطه با مهارت‌های اجتماعی به عنوان متغیر مستقل اصلی، دو دسته نظریه وجود دارد: نظریات روان‌شناختی و نظریات اجتماعی. در نظریات روان‌شناختی بر روی فرآیندهای ذهنی که رفتارهای ارتباطی را در برمی‌گیرند، تأکید می‌شود. این نظریات از یک طرف بر روی پردازش پیام متمرکز می‌شوند که چگونه افراد، رفتار خود و دیگران را تفسیر و ارزیابی می‌کنند. از طرف دیگر، بر روی تولید یا ایجاد پیام تأکید می‌کنند که چگونه افراد رفتار ارتباطی را به وجود می‌آورند تا از این طریق به اهداف خود برسند (ویلسون و سابی^۵، ۲۰۰۳: ۱۰).

نظریات روان‌شناختی شامل: نظریات انتظار^۶، اسنادی^۷ و سلسله مراتبی^۸ هستند. در نظریه انتظار، بر این نکته تأکید می‌شود که چه چیزی از ارتباط انتظار می‌رود و انتظارات مرتبط با رفتار کلامی و غیرکلامی چه چیزی هستند (همان: ۱۱). در نظریه اسنادی، افراد در مورد موقعیت‌ها خوشبین هستند. آنها شکست یا موفقیت خود را به عوامل مختلف نسبت می‌دهند. در واقع، نسبت دادن یک نوع قضاوت علی درباره رفتار یا حوادث می‌باشد. وینر^۹ واکنش افراد نسبت به موفقیت یا شکست را تبیین می‌کند. برای مثال فردی که در آزمون نمره خوب نگرفته است، ممکن است عدم موفقیت خود را به عدم آمادگی خود یا سخت بودن آزمون نسبت دهد. البته افراد زمانی که موفقیت خود را به عوامل درونی نسبت می‌دهند، احساس سربلندی و غرور می‌کنند (همان: ۱۵-۱۶). در نظریه سلسله مراتبی، افراد درگیر ارتباط، برنامه‌های کنش را ماهرانه انجام می‌دهند. با ارجاع به نظریه کنترل سیرنیتیک^{۱۰}، بر روی نظام‌های خودتنظیم گر^{۱۱} تأکید می‌شود. بر این اساس، افراد با توجه به بازخوردی که از دیگران در رابطه با رفتار خود می‌بینند، سعی در تنظیم رفتار و ارتباطات

است که بر تأثیر زمان‌بندی بلوغ زیستی^۱ (تکامل جنسی) در حوزه شناختی، خودپنداره‌ها، ادراک از محیط اجتماعی و ارزش‌های فردی تأکید می‌ورزد. این چهار عامل اجتماعی^۲ روانی به نظر می‌رسد که بر رفتار پرخطر نوجوانان از طریق توجه به مقوله ادراک خطر و خصوصیات گروه همسالان تأثیر می‌گذارند (اروین و میلستین^۳، ۱۹۸۶: ۸۲-۹۶).

مطابق با دیدگاه اروین، زمان‌بندی بلوغ، درصد احتمالی و طول مدت آن دارای تأثیر شگرفی بر تصویر بدنی، عزت نفس، رشد روابط مربوط به جنس مخالف، وابستگی به همسالان، استقلال از خانواده و عملکرد تحصیلی می‌باشد (همان).

نظریه استرس اجتماعی: مدل استرس اجتماعی^۳ جان رودز^۴ که برای توضیح احتمال مصرف مواد به وجود آمده است، دیدگاه دیگری درباره رفتارهای پرخطر نوجوانان و جوانان می‌باشد. این مدل در واقع، تعامل استرس، دلبستگی‌ها، مهارت‌های سازگاری و منابع مشخص خطر برای مصرف مواد را توضیح می‌دهد. با توجه به این مدل، احتمال مصرف مواد توسط یک فرد نوجوان و جوان به عنوان تابعی از سطح استرس نابرابر به وسیله این سه متغیر در نظر گرفته می‌شود.

$$\text{وابستگی‌ها و تعلقات} + \text{مهارت سازگاری} + \text{منابع مشخص خطر} = \frac{\text{استرس}}{\text{مصرف مواد}}$$

استرس می‌تواند به مشکلات زندگی روزمره از مصرف روزانه هر خانه تا یک بیماری مزمن یا مرگ یکی از والدین مربوط شود. مصرف مواد یا هرگونه رفتار پرخطر ممکن است به عنوان روشی برای فرار یا فاصله گرفتن شخص از خود در اثر تعارض مداوم به کار رود. این مسأله همچنین، می‌تواند خشم و ناامیدی در اثر استرس روزمره را منعکس سازد (والنسیا و کرامر، ۲۰۰۰: ۵۵).

⁵ Wilson & Sabee

⁶ Expectancy Theory

⁷ Attribution Theory

⁸ Hierarchical Theory

⁹ Weiner

¹⁰ Cybernetic Control Theory

¹¹ Self-Regulating Systems

¹ Timing of Biological Maturation

² Irwin & Millstein

³ Social Stress

⁴ Rhodes

انحرافی تأکید نموده و آن را نتیجه پیوندهای ضعیف افراد در ارتباط با جامعه می‌داند (هیرشی، ۱۹۶۹).

تراویس هیرشی مهم‌ترین پایه‌گذار نظریه کنترل اجتماعی است. وی موضوع پیوند اجتماعی را مطرح می‌سازد و بر این باور است که کجرفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف باشد یا گسسته شود (همان). هیرشی در نظریه خود، نقش سازمان‌های کنترل اجتماعی مانند خانواده و مدرسه را مورد تأکید قرار می‌دهد و بر این باور است که چون برخی از نیروهای اجتماعی بازدارنده و کنترل کننده انحراف اجتماعی از بین رفته یا کارکرد آنها ضعیف شده است، جوانان مرتکب رفتار بزهکارانه می‌شوند (احمدی، ۱۳۸۴: ۹۰). نظریه کنترل اجتماعی می‌خواهد به این سؤال اساسی پاسخ دهد که چرا اکثر مردم درگیر فعالیت‌های مجرمانه نمی‌شوند؟ به عبارت دیگر، اگر انحراف طبیعی است، پس هم‌نمایی غیرطبیعی است و لذا نیازمند تبیین می‌باشد. عمل طبیعی انسان‌ها مسأله‌ای نیست که نیاز به تبیین داشته باشد، بلکه مسأله اصلی این است که چرا اکثر مردم رفتارهای انحرافی انجام نمی‌دهند (طالبان، ۱۳۸۳: ۵). پاسخ هیرشی به این سؤال این است چون جرأت این کار را ندارند، رفتارهای انحرافی انجام نمی‌دهند (هیرشی، ۱۹۶۹).

وقتی کنترل‌های اجتماعی ضعیف یا غایب باشند، افراد آزادی عمل بیشتری برای زیر پا گذاشتن قوانین دارند. پیوستگی ضعیف افراد به نهادهای اجتماعی آنها را بیشتر ترغیب به انحراف از قانون می‌کند، در حالی که وقتی بین فرد و نهادهای اجتماعی پیوستگی و پیوند قوی و محکمی وجود داشته باشد، رفتار غیرقانونی و نامشروع، شبکه مناسبات اجتماعی و تصویر مثبت فرد نزد دیگران را تهدید می‌کند. بنابراین، بستگی‌ها یا قیود اجتماعی از طریق افزایش هزینه‌های پیش‌بینی شده کجروی، احتمال وقوع آن را کاهش می‌دهد (اریکسون و همکاران^۶، ۲۰۰۰: ۳۹۵-۴۲۵).

خود دارند (همان: ۲۴). نظریات اجتماعی به جای تأکید بر فرد به عنوان واحد تحلیل، بر روی گروه‌های اجتماعی تمرکز می‌کنند. نظریه دیالکتیک رابطه‌ای^۱ باکستر و مونتگمری^۲ یکی از نظریات اجتماعی است که بیان می‌کند کنش‌ها نسبت به نیازها و تناقض‌ها حساس هستند. این نظریه بر روی روابط تأکید می‌کند که حول فعل و انفعال پویای تمایلات متضاد زمانی که آنها در کنش متقابل به نمایش در آیند، سازمان می‌یابند (همان: ۲۹-۳۰).

چارچوب نظری: در این پژوهش نظریه کنترل اجتماعی^۳ به عنوان چارچوب نظری منتخب در رابطه با رفتارهای پرخطر برگزیده شده است. تفوق نظریه کنترل اجتماعی نسبت به دیدگاه‌های دیگر در این حوزه این است که نظریات دیگر بیشتر مربوط به بزهکاری جوانان طبقات پایین است، اما نظریه کنترل اجتماعی بر این پیش‌فرض استوار است که رفتار بزهکاران متعلق به همه طبقات اجتماعی است و جنبه عمومی و جهان‌شمول دارد. همچنین، نظریه کنترل اجتماعی تأکید بیشتری بر عوامل اجتماعی و جامعه‌پذیری دارد تا ویژگی‌های فردی. علاوه بر این، نظریه کنترل اجتماعی بیشتر بر علت‌های هم‌نمایی به جای علت‌های ناهم‌نمایی تأکید دارد. در نهایت، نظریه کنترل اجتماعی بیشتر به نقش بازدارندگی و نظارتی عوامل اجتماعی در ارتباط با رفتارهای بزهکارانه و پرخطر پرداخته است.

دو نوع کنترل اجتماعی رسمی و غیر رسمی وجود دارد. قوانین بعنوان پدیده‌ای اجتماعی، شکل رسمی کنترل اجتماعی هستند، کنترل اجتماعی غیررسمی شامل روابط خانوادگی، دین و غیره است (بیرن و مرشمیت^۴، ۲۰۱۱). نظریه کنترل اجتماعی بر این پیش‌فرض مبتنی است که برای کاستن از تمایل به رفتار بزهکارانه و مجرمانه، همه افراد باید کنترل شوند. این نظریه بر عمومی و جهان‌شمول بودن رفتار

^۱ Relational Dialectics Theory

^۲ Baxter & Montgomery

^۳ Social Control Theory

^۴ Beirne & Messerschmidt

^۵ Hirschi

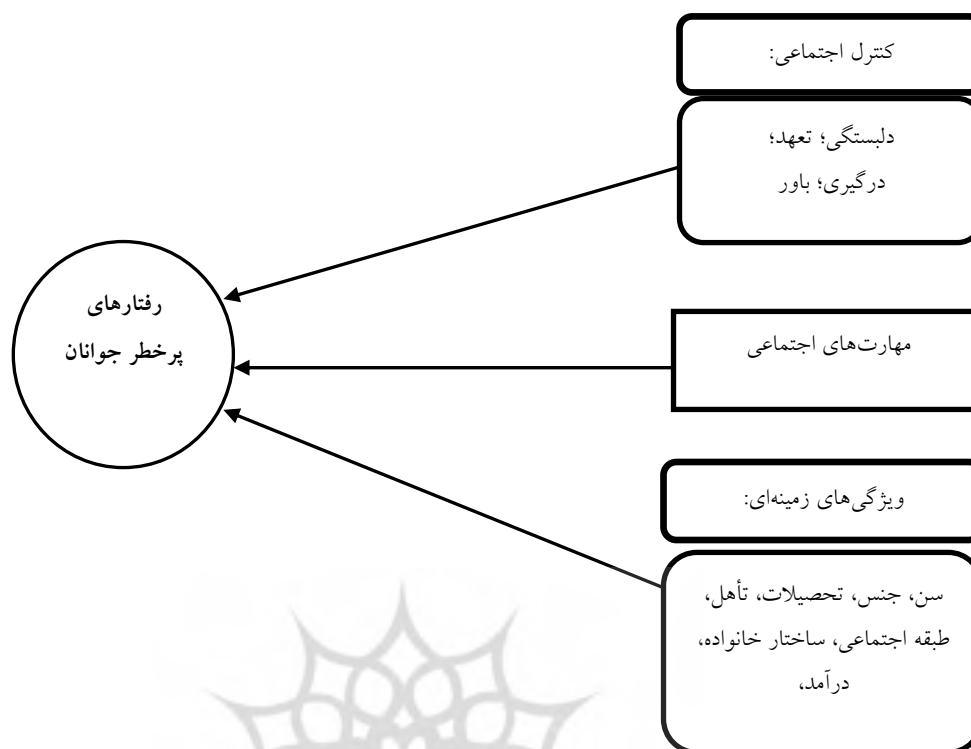
^۶ Erikson et al.

با توجه به چارچوب نظری، علاوه بر مهارت اجتماعی به عنوان متغیر مستقل اصلی، با ارجاع به نظریه کنترل اجتماعی هیرشی، متغیرهای دلبستگی، تعهد، درگیری (مشارکت) و باور از چارچوب نظری منتخب استخراج شده و رابطه آنها با متغیر وابسته تحقیق یعنی؛ رفتارهای پرخطر مورد بررسی قرار می‌گیرند. در واقع، هدف اساسی این است که نقش بازدارندگی و نظارتی متغیرهای مهارت اجتماعی، دلبستگی به خانواده و دوستان، تعهد به هنجارها، درگیری و مشارکت در فعالیت‌های مختلف و باور به اصول اخلاقی در ارتباط با رفتارهای پرخطر جوانان مشخص شود. همچنین، رابطه برخی متغیرهای زمینه‌ای با متغیر وابسته نیز سنجیده می‌شود. بنابراین، همان‌طور که مدل تجربی تحقیق نشان می‌دهد، رفتارهای پرخطر به عنوان متغیر وابسته، و مهارت‌های اجتماعی، دلبستگی، تعهد، درگیری، باور، سن، جنس، تحصیلات، وضعیت تأهل، طبقه اجتماعی، ساختار خانواده و درآمد خانوار به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند. براساس مدل تجربی، فرضیات تحقیق رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای، مهارت اجتماعی (متغیر مستقل اصلی) و متغیرهای مستخرج از نظریه کنترل اجتماعی (دلبستگی، تعهد، درگیری و باور) با متغیر وابسته رفتارهای پرخطر را مورد آزمون قرار می‌دهد.

هیرشی (۱۹۶۹) از چهار عنصر اصلی صحبت می‌کند که باعث پیوند فرد و جامعه می‌شوند. این عناصر شامل تعلق و دلبستگی^۱، تعهد^۲، شمول و درگیری^۳ و اعتقاد^۴ می‌باشند. منظور از تعلق و دلبستگی این است که فرد نسبت به افرادی که برایش مهم هستند و با آنان پیوندهای نزدیکی دارد، دارای عواطف و احساساتی است که موجب می‌شود نسبت به قضاوت‌های آنان و آنچه که درباره رفتارش می‌اندیشند، مراقب باشد. بنابراین، کنترل بزهکاری با تعلقات جوانان نسبت به والدین‌شان، دوستان صمیمی و افراد مهم دیگر پیوند می‌خورد. منظور از تعهد، به سرمایه‌گذاری‌هایی اشاره دارد که فرد در جامعه انجام داده است. هرچه قدر سرمایه‌گذاری‌های مردم در تحصیلات، سوابق شغلی و سایر دارایی‌های خود بیشتر باشد، علت بیشتری دارند که همنوا باشند تا بتوانند از دستاوردهای خود محافظت کنند. بنابراین، به خاطر از دست ندادن سرمایه‌گذاری‌های خود، از قانون پیروی نموده و از بزهکاری و جرم اجتناب می‌کنند. منظور از شمول و درگیری این است که وقت و انرژی افراد محدود است و لذا افراد بیشتر مشغول فعالیت‌های متعارف زندگی مانند: کار، درس و یا زندگی خانوادگی هستند، به همین خاطر فرصت کمی دارند که در اعمال بزهکارانه مشارکت نمایند. اما کسانی که وقت آزاد بیشتری دارند، فرصت بیشتری برای انجام دادن رفتارهای بزهکارانه دارند. منظور از اعتقاد و باور، وفاداری فرد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی یک جامعه می‌باشد. بدین ترتیب، فرد به این باور می‌رسد که قواعد و قوانین حاکم بر جامعه صحیح است و خود را ملزم به پیروی از آنها می‌داند. بنابراین، هرچه شخص کمتر به هنجارهای عادی معتقد باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که هنجارها را نقض و مرتکب رفتار بزهکارانه شود (هیرشی، ۱۹۶۹).

¹ Attachment
² Commitment
³ Involvement
⁴ Belief

مدل تجربی تحقیق



فرضیات تحقیق

- پرخاطر رابطه وجود دارد.
- بین سن و رفتارهای پرخاطر رابطه وجود دارد.
 - به لحاظ رفتارهای پرخاطر بین جنس (مرد و زن) تفاوت معناداری وجود دارد.
 - بین تحصیلات و رفتارهای پرخاطر رابطه وجود دارد.
 - به لحاظ رفتارهای پرخاطر بین وضعیت تأهل (مجرد و متأهل) تفاوت معناداری وجود دارد.
 - به لحاظ رفتارهای پرخاطر بین طبقه اجتماعی (بالا، متوسط و پایین) تفاوت معناداری وجود دارد.
 - به لحاظ رفتارهای پرخاطر بین ساختار خانواده (زندگی با پدر و مادر، زندگی با پدر و ...) تفاوت معناداری وجود دارد.
 - بین درآمد خانوار و رفتارهای پرخاطر رابطه وجود دارد.
 - بین دلبستگی به خانواده و دوستان و رفتارهای پرخاطر رابطه وجود دارد.
 - بین تعهد به هنجارها و رفتارهای پرخاطر رابطه وجود دارد.
 - بین درگیری و مشارکت در فعالیت‌های مختلف و رفتارهای
- پرخاطر رابطه وجود دارد.
- بین باور به اصول اخلاقی و رفتارهای پرخاطر رابطه وجود دارد.
- بین مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخاطر رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر بر اساس رویکرد کمی تحقیق و با استفاده از روش پیمایشی به جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز پرداخته است. در این روش از تکنیک یا ابزار پرسشنامه استفاده می‌شود. پرسشنامه مورد استفاده از دو بخش اصلی تشکیل شده است: بخش اول سؤال‌هایی است که اطلاعات مربوط به ویژگی‌های اجتماعی^۱ اقتصادی فرد را جویا شده و بخش دوم نیز یکسری سؤال‌ها در قالب طیف می‌باشد که عناصر چهارگانه کنترل اجتماعی، میزان مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخاطر پاسخگویان را می‌سنجد. این طیف توسط

مهارت‌های اجتماعی ۰/۸۵، تعلق و دلبستگی ۰/۷۰، تعهد ۰/۷۲، مشارکت ۰/۶۵، باور ۰/۶۱ و رفتارهای پرخطر ۰/۹۱ می باشد.

تعریف مفاهیم

رفتارهای پرخطر: رفتارهایی هستند که دارای پیامدهای منفی از نظر جسمی، روانی و اجتماعی می‌باشند. اگرچه برخی از رفتارهای پرخطر مرتبط با پیامدهای منفی هستند، اما برخی دیگر مستقیماً به پیامدهای منفی برمی‌گردند، یعنی در واقع علل به وجود آمدن پیامدهای منفی و مخرب، رفتارهای پرخطر هستند (دی ماتئو و مارک زیگ، ۲۰۰۵: ۲۰-۲۱). برای عملیاتی کردن، رفتارهای پرخطر را در ۷ حوزه شامل رانندگی خطرناک، رفتارهای خشونت‌آمیز، تمایل و اقدام به خودکشی، مصرف سیگار و قلیان، مصرف الکل و مواد مخدر، رفتار جنسی و رفتارهای مرتبط با فضای مجازی به شکل طیف در قالب پاسخ‌های (هرگز، یک یا دوبار، بعضی اوقات و بیشتر اوقات) مورد سنجش قرار دادیم.

مهارت اجتماعی: مهارت اجتماعی عبارتست از: مجموعه‌ای از رفتارهای هدفمند، به هم مرتبط و متناسب با وضعیت که آموختنی بوده و تحت کنترل فرد می‌باشند (هارجی و همکاران، ۱۳۹۲). بعد عملیاتی مهارت‌های اجتماعی شامل گویه‌هایی به شکل طیف از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف می‌باشد که مهارت‌های همکاری، خودگردانی، مقابله‌ای، قانونمداری، گذران اوقات فراغت و شناسایی ارزش‌های جامعه را به عنوان خرده مقیاس‌های مهارت‌های اجتماعی می‌سنجد.

دلبستگی: به ارتباط روان‌شناختی که فرد نسبت به فرد دیگر یا گروه‌ها احساس می‌کند، اشاره دارد. از نظر هیرشی، والدین و مدرسه در این زمینه بسیار مهم هستند. هرچه فرد دلبستگی بیشتری به این گروه‌ها و نهادها داشته باشد، کنترل اجتماعی بیشتری را تجربه نموده و احتمال کمتری دارد که به

محققان طراحی و تعیین روایی و اعتبار شده است. جامعه آماری در این تحقیق کلیه جوانان ۱۵-۲۹ ساله شهر شیراز می‌باشد که در سال ۱۳۹۰ تعداد آنها ۴۷۷۲۸۷ نفر بوده است. در این تحقیق با استفاده از جدول لین^۱ (لین، ۱۹۷۸) حجم نمونه برابر با ۶۰۰ نفر تعیین گردید و در نهایت داده‌های جمع‌آوری شده از ۶۰۰ نفر که به سؤال‌های پرسشنامه جواب دادند، وارد نرم‌افزار SPSS گردید و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

در این تحقیق با توجه به ناهمگنی اقتصادی و اجتماعی شهر شیراز و در دسترس نبودن چارچوب نمونه‌گیری، از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای مختلط استفاده شده است. در این روش، ابتدا جمعیت مناطق ۱۰ گانه شهر شیراز براساس سرشماری سال ۱۳۹۰ به تفکیک استخراج، سپس متناسب با جمعیت هر منطقه و نسبت آن به جمعیت کل، تعداد پرسشنامه موردنظر برای هر منطقه مشخص شد. در هر منطقه، متناسب با تعداد پرسشنامه مربوط به هر منطقه تعداد بلوک‌های هر منطقه تعیین گردید و سپس بلوک‌های منتخب تعیین شدند. در درون هر بلوک نیز، کوچه‌ها به صورت زوج فرد و یکی در میان و پاسخگویان با در نظر گرفتن تناسب جنسیتی تقریبی و گروه سنی جهت پر کردن پرسشنامه‌ها مشخص شدند.

روایی^۲ پژوهش به شیوه اعتبار صوری و با مراجعه و تبادل نظر با افراد متخصص و صاحب‌نظر تضمین گردید. بدین منظور، پرسشنامه طراحی شده به همراه چارچوب نظری و فرضیات پژوهش در اختیار استادان و متخصصان قرار داده شد و نقطه نظرات آنها در تدوین نهایی پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت.

برای سنجش پایایی^۳ ابزار اندازه‌گیری نیز، از آلفای کرونباخ^۴ استفاده شد. آلفای کرونباخ به دست آمده برای طیف

^۱ Lin

^۲ Validity

^۳ Reliability

^۴ Cronbach's Alpha

پیرسون، آزمون T، تحلیل واریانس یک طرفه و رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است.

یافته‌ها

مهم‌ترین یافته‌های توصیفی به این شرح می‌باشند: از لحاظ جنس، ۵۹/۳ درصد پاسخگویان مرد و ۴۰/۷ درصد زن می‌باشند، میانگین سن پاسخگویان ۲۱/۸ سال می‌باشد، میانگین تحصیلات پاسخگویان ۱۳/۲ کلاس، میانگین درآمد ماهیانه خانواده پاسخگویان یک میلیون و ۳۶۳ هزار تومان، میانگین نمره مهارت‌های اجتماعی پاسخگویان ۶۸/۴۷ و میانگین نمره رفتارهای پرخطر پاسخگویان ۱۸/۱۸ می‌باشد. همچنین ۸۱/۷ درصد پاسخگویان مجرد و ۱۷/۳ درصد متأهل؛ ۴/۳ درصد پاسخگویان جزو طبقه بالا، ۷۵/۷ درصد طبقه متوسط و ۲۰ درصد نیز در طبقه پایین قرار دارند. و سرانجام اینکه از نظر ساختار خانواده، ۷۵/۷ درصد پاسخگویان با پدر و مادر، ۱/۳ درصد با پدر، ۶/۷ درصد با مادر، ۵ درصد به شکل مستقل و ۱۱ درصد با همسر خود زندگی می‌کردند.

جدول ۱ نشان‌دهنده توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه براساس میزان مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر می‌باشد. همان‌گونه که داده‌های جدول نشان می‌دهد، ۸/۳ درصد از پاسخگویان دارای مهارت‌های اجتماعی در سطح کم، ۶۸/۳ درصد دارای مهارت‌های اجتماعی در سطح متوسط و ۲۳/۳ درصد نیز دارای مهارت‌های اجتماعی در سطح زیاد هستند. همچنین، ۸۰/۷ درصد دارای رفتارهای پرخطر در سطح کم، ۱۶/۳ درصد دارای رفتارهای پرخطر در سطح متوسط و ۳ درصد نیز دارای رفتارهای پرخطر در سطح زیاد هستند. داده‌های جدول گویای این مسأله می‌باشد که هرچه مهارت‌های اجتماعی افزایش می‌یابد، رفتارهای پرخطر کمتر می‌شود.

بزهکاری روی آورد (هیرشی، ۱۹۶۹). دل‌بستگی را از طریق ۵ گویه در قالب طیف که میزان ارتباط و صمیمیت فرد نسبت به خانواده و دوستان را شامل می‌شود، مورد سنجش قرار دادیم.

تعهد: عنصر منطقی در نظریه کنترل اجتماعی است و حاصل رویکرد هزینه^۰ فایده نسبت به بزهکاری می‌باشد. منظور از تعهد، به سرمایه‌گذاری‌هایی اشاره دارد که فرد در جامعه انجام داده است. بنابراین، وقتی که فرد رفتار بزهکارانه انجام می‌دهد، باید خطرات از دست دادن سرمایه‌گذاری‌هایش در امور متعارف و قابل قبول را بپذیرد. بر همین اساس، زمانی که افراد می‌دانند که اگر رفتار بزهکارانه انجام دهند، چیزهایی را از دست خواهند داد، دست به این کار نمی‌زنند (همان). ۵ گویه به شکل طیف میزان تعهد و پایبندی فرد نسبت به امور تحصیلی و شغلی مانند ترک نکردن محل کار یا مدرسه، پایبندی به قوانین محل کار یا مدرسه و ... را مورد سنجش قرار می‌دهد.

مشارکت یا درگیری: اشاره به مشارکت در فعالیت‌های

متعارف و قانونی مانند فعالیت‌های ورزشی، علمی و اجتماعی دارد. از نظر هیرشی، سرگرم بودن فرد به فعالیت‌های متعارف، وی را از انجام رفتار بزهکارانه باز می‌دارد، زیرا که وقت آزادی برایش باقی نمی‌ماند که سراغ اعمال خلاف و بزهکاری برود (همان). متغیر مشارکت، میزان شرکت افراد در فعالیت‌های مذهبی، ورزشی، علمی، فرهنگی و ... را در قالب ۵ گویه مورد بررسی قرار داد.

باور به اصول اخلاقی: به پذیرش نظام ارزشی جامعه

برمی‌گردد (همان). زمانی که فرد این نظام ارزشی را قبول داشته باشد، خود را با هنجارهای اجتماعی آن هم‌نوا و سازگار می‌کند. این متغیر از طریق ۵ گویه در قالب طیف میزان اعتقاد فرد نسبت به اصول اخلاقی و ارزش‌های جامعه مانند قانونمندی، درستکاری و ... را مورد سنجش قرار می‌دهد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آماره‌های توصیفی مانند:

جداول تقاطعی و آماره‌های استنباطی مانند: ضریب همبستگی

جدول ۱- توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه براساس میزان مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر

مهارت‌های اجتماعی	رفتارهای پرخطر					
	کم		متوسط		زیاد	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کم	۲۲	۳/۷	۸	۳/۳	۵۰	۸/۳
متوسط	۳۳۰	۵۵	۸	۱۲	۴۱۰	۶۸/۳
زیاد	۱۳۲	۲۲	۲	۱	۱۴۰	۲۳/۳
کل	۴۸۴	۸۰/۷	۱۸	۱۶/۳	۶۰۰	۱۰۰

بررسی فرضیات

نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های جدول ضریب پیرسون فرضیه اول: بین سن و رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد. $(r = -0/049)$ و سطح معناداری (۰/۲۳۲)، بین سن و رفتارهای پرخطر در سطح ۹۵ درصد همبستگی وجود ندارد.

فرضیه اول: بین سن و رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد. جدول ۲ میزان همبستگی بین سن و رفتارهای پرخطر را

جدول ۲- همبستگی بین سن، تحصیلات و درآمد و رفتارهای پرخطر

متغیر	فراوانی	ضریب پیرسون (r)	سطح معناداری
سن	۶۰۰	-۰/۰۴۹	۰/۲۳۲
تحصیلات	۵۸۴	-۰/۰۴۴	۰/۲۸۹
درآمد	۵۵۲	۰/۱۲۵	۰/۰۰۳

که با توجه به مقدار T به دست آمده (۹/۳۵) در سطح بیش از ۹۹ درصد ($Sig = 0/000$) تفاوت ملاحظه شده معنادار است. داده‌ها نشان می‌دهند که میزان رفتارهای پرخطر مردان بسیار بیشتر از زنان است. این یافته با نتایج تحقیق باریکانی (۱۳۸۷)، زاده‌محمدی و احمدآبادی (۱۳۸۷) و گرمارودی و همکاران (۱۳۸۸) همسو می‌باشد.

فرضیه دوم: به لحاظ رفتارهای پرخطر، بین جنس (مرد و زن) تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۳ نشان‌دهنده آزمون تفاوت میانگین رفتارهای پرخطر افراد مورد مطالعه بر حسب جنس می‌باشد. همان‌گونه که داده‌های جدول نشان می‌دهد میانگین نمره رفتارهای پرخطر مردان برابر با ۲۲/۳۰ و زنان برابر با ۱۲/۱۶ می‌باشد،

جدول ۳- آزمون تفاوت میانگین میزان رفتارهای پرخطر افراد با توجه به جنس و وضعیت تأهل

جنس	فراوانی	میانگین نمره رفتارهای پرخطر	انحراف معیار	مقدار T	سطح معناداری
مرد	۳۵۶	۲۲/۳۰	۱۴/۶۷		
زن	۲۴۴	۱۲/۱۶	۱۰/۱۸	۹/۳۵	۰/۰۰۰
وضعیت تأهل	فراوانی	میانگین نمره رفتارهای پرخطر	انحراف معیار	مقدار T	سطح معناداری
مجرد	۴۹۰	۱۸/۹۹	۱۳/۷۵	۳/۱۱	۰/۰۰۲
متأهل	۱۰۴	۱۴/۳۲	۱۴/۶۱		

جدول ۲ همبستگی بین تحصیلات فرد و رفتارهای پرخطر را نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های به دست آمده یعنی

فرضیه سوم: بین تحصیلات و رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.

رفتارهای پرخطر افراد مجرد بیشتر از متأهلان است. فرضیه پنجم: به لحاظ رفتارهای پرخطر، بین طبقه اجتماعی (بالا، متوسط و پایین) تفاوت معناداری وجود دارد. جدول ۴ آزمون تفاوت میانگین رفتارهای پرخطر با توجه به طبقه اجتماعی افراد مورد مطالعه را نشان می‌دهد. داده‌های جدول نشان می‌دهند که میانگین رفتارهای پرخطر افراد متعلق به طبقه پایین از طبقه بالا و متوسط بالاتر است. با توجه به مقدار F به دست آمده (۳/۸۲۸) و سطح معنی‌داری (Sig=۰/۰۲۲) این تفاوت در سطح ۹۵ درصد معنادار می‌باشد. نتیجه به دست آمده با یافته‌های تحقیق زاده‌محمدی و احمدآبادی (۱۳۸۷) همسو می‌باشد.

ضریب پیرسون ($r=-۰/۰۴۴$) و سطح معناداری (۰/۲۸۹)، بین تحصیلات و رفتارهای پرخطر در سطح ۹۵ درصد همبستگی وجود ندارد.

فرضیه چهارم: به لحاظ رفتارهای پرخطر، بین وضعیت تأهل (مجرد و متأهل) تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۳ نشان‌دهنده آزمون تفاوت میانگین رفتارهای پرخطر افراد مورد مطالعه بر حسب وضعیت تأهل می‌باشد. همان‌گونه که داده‌های جدول نشان می‌دهد میانگین نمره رفتارهای پرخطر افراد مجرد برابر با ۱۸/۹۹ و افراد متأهل برابر با ۱۴/۳۲ می‌باشد، که با توجه به مقدار T به دست آمده (۳/۱۱) در سطح بیش از ۹۹ درصد (Sig=۰/۰۰۲) تفاوت ملاحظه شده معنادار است. داده‌ها نشان می‌دهند که میزان

جدول ۴- آزمون تفاوت میانگین میزان رفتارهای پرخطر افراد با توجه به طبقه اجتماعی

سطح معناداری	مقدار F	انحراف معیار	میانگین نمره رفتارهای پرخطر	فراوانی	طبقه اجتماعی
		۱۸/۸۴	۱۷/۳۸	۲۶	بالا
۰/۰۲۲	۳/۸۲۸	۱۳/۴۳	۱۷/۳۹	۴۵۴	متوسط
		۱۴/۳۳	۲۱/۳۱	۱۲۰	پایین
		۱۳/۹۵	۱۸/۱۸	۶۰۰	کل

با مادر خود و افرادی که به صورت مستقل زندگی می‌کنند، نسبت به سایرین بالاتر است. همچنین، میانگین رفتارهای پرخطر کسانی که با همسر خود زندگی می‌کنند (افراد متأهل) نسبت به سایرین کمتر است. با توجه به مقدار F به دست آمده (۳/۰۱۵) و سطح معنی‌داری (Sig=۰/۰۱۱) این تفاوت در سطح ۹۵ درصد معنادار می‌باشد.

فرضیه ششم: به لحاظ رفتارهای پرخطر، بین ساختار خانواده (زندگی با پدر و مادر، زندگی با پدر و ... تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۵ آزمون تفاوت میانگین رفتارهای پرخطر با توجه به ساختار خانواده افراد مورد مطالعه را نشان می‌دهد. داده‌ها نشان می‌دهند که میانگین رفتارهای پرخطر افرادی که

جدول ۵- آزمون تفاوت میانگین میزان رفتارهای پرخطر افراد با توجه به ساختار خانواده

سطح معناداری	مقدار F	انحراف معیار	میانگین رفتار پرخطر	فراوانی	ساختار خانواده
		۱۳/۸۰	۱۸/۱۸	۴۵۴	زندگی با پدر و مادر
		۱۱/۸۲	۱۶/۵	۸	زندگی با پدر
۰/۰۱۱	۳/۰۱۵	۱۳/۵۲	۲۳/۶	۴۰	زندگی با مادر
		۱۰/۱۲	۲۱/۴	۳۰	زندگی مستقل
		۱۵/۷۹	۱۳/۷۸	۶۶	زندگی با همسر
		۱۳/۹۵	۱۸/۱۸	۶۰۰	کل

فرضیه هفتم: بین درآمد و رفتارهای پرخطر رابطه وجود

دارد.

جدول ۲ همبستگی بین درآمد خانوار و رفتارهای پرخطر را نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های به دست آمده یعنی؛ ضریب پیرسون ($r=0/125$) و سطح معناداری ($0/003$)، بین درآمد و رفتارهای پرخطر در سطح ۹۹ درصد همبستگی مثبت و ضعیفی وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه درآمد افزایش یابد، رفتارهای پرخطر نیز بیشتر می‌شود. این یافته با نتایج تحقیقات داخلی مانند باریکانی (۱۳۸۷) همسو و زاده‌محمدی و احمدآبادی (۱۳۸۷) ناهمسو می‌باشد.

فرضیه هشتم: بین دلبستگی به خانواده و دوستان و رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.

با توجه به داده‌های جدول ۶ ضریب پیرسون ($-0/124$) و معناداری ($sig=0/002$) رابطه بین دلبستگی به خانواده و دوستان و رفتارهای پرخطر ضعیف و معکوس است، بدین معنی که هرچه دلبستگی به خانواده و دوستان افزایش یابد، رفتارهای پرخطر کاهش می‌یابد. این یافته با نتایج تحقیق علیوردی‌نیا و همکاران (۱۳۹۰) همسو می‌باشد.

فرضیه نهم: بین تعهد به هنجارها و رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.

با توجه به داده‌های جدول ۶ ضریب پیرسون ($-0/024$) و معناداری ($sig=0/000$) رابطه بین تعهد به هنجارها و رفتارهای پرخطر متوسط و معکوس است، بدین معنی که هرچه تعهد به هنجارها افزایش یابد، رفتارهای پرخطر کاهش

می‌یابد.

فرضیه دهم: بین مشارکت (درگیری) و رفتارهای پرخطر

رابطه وجود دارد.

با توجه به داده‌های جدول ۶ ضریب پیرسون ($-0/283$) و معناداری ($sig=0/000$) رابطه بین مشارکت و رفتارهای پرخطر ضعیف و معکوس است، بدین معنی که هرچه مشارکت افزایش یابد، رفتارهای پرخطر کاهش می‌یابد.

فرضیه یازدهم: بین باور به اصول اخلاقی و رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.

با توجه به داده‌های جدول ۶ ضریب پیرسون ($-0/482$) و معناداری ($sig=0/000$) رابطه بین باور به اصول اخلاقی و رفتارهای پرخطر متوسط و معکوس است، بدین معنی که هرچه باور به اصول اخلاقی افزایش یابد، رفتارهای پرخطر کاهش می‌یابد.

فرضیه دوازدهم: بین مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.

با توجه به داده‌های جدول ۶ ضریب پیرسون ($-0/427$) و معناداری ($sig=0/000$) رابطه بین مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر متوسط و معکوس است، بدین معنی که هرچه مهارت‌های اجتماعی افزایش یابد، رفتارهای پرخطر کاهش می‌یابد. نتیجه به دست آمده با تحقیقات رضانی و همکاران (۱۳۹۱)، مقتدایی و همکاران (۱۳۹۰)، فن فوگت و همکاران (۲۰۱۳)، سکر و همکاران (۲۰۰۹) و بارکین و همکاران (۲۰۰۲) همسو می‌باشد.

جدول ۶- همبستگی بین متغیرهای کنترل اجتماعی و مهارت اجتماعی با متغیر وابسته (رفتارهای پرخطر)

متغیر	فراوانی	ضریب پیرسون (r)	سطح معناداری
دلبستگی به خانواده و دوستان	۶۰۰	-۰/۱۲۴	۰/۰۰۲
تعهد به هنجارها	۶۰۰	-۰/۵۲۴	۰/۰۰۰
مشارکت (درگیری)	۶۰۰	-۰/۲۸۳	۰/۰۰۰
باور به اصول اخلاقی	۶۰۰	-۰/۴۸۲	۰/۰۰۰
مهارت اجتماعی	۶۰۰	-۰/۴۲۷	۰/۰۰۰

تحلیل رگرسیون چند متغیره

در این بخش تحلیل رگرسیون چند متغیره برای متغیرهای مستقل و متغیر وابسته (رفتار پرخطر) برای کل افراد مورد مطالعه آورده می‌شود. برای انجام تحلیل رگرسیون چند متغیره، متغیرهای مستقل به روش گام به گام^۱ وارد معادله شدند. شایان ذکر است برای استفاده از این روش متغیرهای اسمی به صورت ساختگی^۲ وارد تحلیل شده‌اند. با این روش این متغیرها در جوار متغیرهای پیوسته به کار می‌روند و از آنها می‌توان به عنوان متغیرهای وابسته استفاده کرد.

معادله رگرسیونی مربوط به تحلیل چند متغیره متغیرهای مستقل جهت پیش‌بینی متغیر وابسته رفتارهای پرخطر می‌باشد. همان‌گونه که جدول ۷ نشان می‌دهد معادله رگرسیونی ما دارای چهار مرحله می‌باشد. براساس داده‌های جدول، ضریب رگرسیونی چند متغیره ($R=0/652$) در مرحله چهارم برابر با $0/652$ می‌باشد. ضریب تعیین به‌دست آمده ($R^2=0/425$) نیز نشان می‌دهد که در مجموع چهار متغیر درون معادله شامل (تعهد به هنجارها، جنس (مرد)، باور به اصول اخلاقی و مهارت اجتماعی) توانستند حدود ۴۳ درصد از واریانس متغیر وابسته رفتارهای پرخطر را پیش‌بینی نمایند.

سایر شاخص‌های آماری برای متغیرهای درون معادله مانند ضریب رگرسیون (B) برای نمرات خام و Beta برای نمره‌های استاندارد شده و نیز آزمون T را می‌توان در جدول ۷ ملاحظه کرد. ضرایب B نشان می‌دهد که در مرحله اول به ازای یک واحد افزایش در نمره تعهد به هنجارها، $0/898$ نمره از نمره رفتارهای پرخطر افراد مورد مطالعه کم می‌شود (ضریب B منفی است). در مرحله دوم به ازای یک واحد تغییر در متغیر جنس (مرد)، $8/003$ نمره به نمره رفتارهای پرخطر افراد افزوده می‌شود. در مرحله سوم به ازای یک واحد افزایش در نمره باور به اصول اخلاقی، $0/979$ نمره از نمره

رفتارهای پرخطر افراد کم می‌شود (ضریب B منفی است). در مرحله چهارم به ازای یک واحد افزایش در نمره مهارت‌های اجتماعی، $0/308$ نمره از میزان رفتارهای پرخطر افراد مورد مطالعه کم می‌شود (ضریب B منفی است). آزمون T نیز نشان می‌دهد که ضرایب B برای هر چهار متغیر در سطح ۹۹ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنادار است.

¹ Stepwise

² Dummy

جدول ۷- عناصر اصلی تحلیل چندمتغیره به روش گام به گام از مرحله اول تا مرحله چهارم برای پیش بینی متغیر وابسته رفتارهای پرخطر در سطح کل

مرحله	متغیر وارد شده	R	R ²	B	Beta	T	Sig. T
اول	تعهد به هنجارها	۰/۵۱۴	۰/۲۶۴	-۰/۸۹۸	-۰/۲۶۳	-۶/۵۱۰	۰/۰۰۰
دوم	جنس (مرد)	۰/۵۸۳	۰/۳۳۹	۸/۰۰۳	۰/۲۷۵	۸/۳۵۷	۰/۰۰۰
سوم	باور به اصول اخلاقی	۰/۶۳۱	۰/۳۹۸	-۰/۹۷۹	-۰/۲۳۶	-۶/۰۶۶	۰/۰۰۰
چهارم	مهارت اجتماعی	۰/۶۵۲	۰/۴۲۵	-۰/۳۰۸	-۰/۱۹۱	-۵/۰۲۶	۰/۰۰۰
		=۰/۶۵۲					
	R=۱۰۰/۰۶۷F						
	=۰/۴۲۵ R ²						
	=۰/۰۰۰Sig						

بحث و نتیجه گیری

با توجه به این واقعیت که نوجوانان و جوانان هر جامعه‌ای، مدیران، مسئولان، اداره کنندگان و تولیدکنندگان فردای جامعه هستند، توجه به راهکارهای کاهش رفتارهای پرخطر در این سن مهم و حیاتی است.

نتایج آزمون فرضیات نشان داد بین درآمد، دلبستگی به خانواده و دوستان، تعهد به هنجارها، مشارکت، باور به اصول اخلاقی، مهارت اجتماعی و رفتارهای پرخطر رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، به لحاظ رفتارهای پرخطر، بین جنس، وضعیت تأهل، طبقه اجتماعی و ساختار خانواده تفاوت معناداری وجود دارد. اما، بین سن، تحصیلات و رفتارهای پرخطر رابطه معناداری مشاهده نشد. از مواردی که باید به آن توجه نمود این است که میزان وقوع رفتارهای پرخطر در بین مردان بیشتر از زنان، در بین افراد مجرد بیشتر از افراد متأهل، در بین طبقه پایین بیشتر از طبقه متوسط و بالا، در بین افرادی که مستقل یا با مادر خود زندگی می‌کنند بیشتر از سایر مقوله‌ها می‌باشد.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، چارچوب نظری این تحقیق، مبتنی بر نظریه کنترل اجتماعی تراویس هیرشی می‌باشد. نظریه‌های کنترل فرض می‌کنند که علت رفتار بزهکارانه فقدان یک عامل درونی یا بیرونی برای افراد است. این عامل یک عامل محدودکننده و کنترل کننده می‌باشد (شومیکر، ۲۰۰۹). در نظریه کنترل اجتماعی هیرشی که با عنوان نظریه پیوند

اجتماعی^۱ نیز شناخته می‌شود، جوانان دارای دلبستگی‌هایی به بخش‌های مختلف جهان اجتماعی خودشان هستند و این دلبستگی‌ها یا پیوندها، آنان را از ارتکاب اعمال مجرمانه یا بزهکارانه باز می‌دارد (همان). در این نظریه، ارتباط بین بزهکاری (رفتارهای پرخطر) و شرایط سه نهاد خانواده، مدرسه و مذهب مدنظر قرار گرفته است و کنترل اجتماعی بر اساس میزان التزام آنها در نوع برخورد با بزهکاری تبیین می‌شود. ضرایب همبستگی به دست آمده بین این متغیرها و متغیر رفتارهای پرخطر نشان داد که هر چهار متغیر (دلبستگی، تعهد، مشارکت و باور) رابطه معنادار اما معکوسی با رفتارهای پرخطر داشتند. این مسأله نشان می‌دهد که هرچه دلبستگی به خانواده و دوستان، تعهد به هنجارها، مشارکت در فعالیت‌های مختلف و باور به اصول اخلاقی افراد بیشتر باشد، میزان رفتارهای پرخطر آنان کمتر خواهد شد. به عبارت دیگر، هرچه میزان کنترل اجتماعی چه به شکل رسمی و چه غیررسمی بر روی افراد بیشتر باشد، رفتارهای پرخطر کمتری از سوی آنان سر می‌زند. بنابراین، نقش نهادهایی مانند خانواده، مدرسه و مذهب در تبیین بزهکاری یا رفتارهای پرخطر باید مورد توجه قرار بگیرد. به ویژه اینکه در رابطه با مهارت‌های اجتماعی این نهادها هم تأثیرگذاری عمیقی دارند، زیرا این نهادها می‌توانند در درونی کردن رفتارهای بزهکار و همونا با ارزش‌های جامعه و آموزش مهارت‌های اجتماعی به نوجوانان و جوانان بسیار تأثیرگذار بوده و هم اینکه در انجام

¹ Social Bond

رفتارهای پرخطر توسط جوانان نقش بازدارندگی قوی‌ای ایفا نمایند.

معادله رگرسیونی نیز نشان داد که از چهار عنصری که هیرشی در نظریه کنترل اجتماعی مطرح می‌کند، دو عنصر تعهد و باور (اعتقاد) در مراحل اول و سوم وارد معادله رگرسیونی شدند. همچنین، جنس (مرد) و مهارت‌های اجتماعی نیز وارد معادله رگرسیونی شدند.

از بین نهادهای مختلف، خانواده به عنوان یک متغیر اصلی در بود یا نبود بزهکاری نقش دارد. زیرا اولین جایی است که فرد با آن روبرو بوده و در آن بزرگ می‌شود. بنابراین، در درونی کردن هنجارهای جامعه و آموزش صحیح مهارت‌های اجتماعی نقش بسیار مهمی برعهده دارد. با این حال، اگر خانواده نتواند کارکردهای خود را به خوبی انجام دهد، زمینه بروز بسیاری از انحرافات و بزهکاری‌ها فراهم خواهد شد. ساختار خانواده از جمله خانواده از هم گسیخته که یک یا هر دوی والدین به علت رویدادهایی مانند مرگ، طلاق و موارد دیگر حضور ندارند، یکی از عوامل تأثیرگذار بر رفتار جوانان به شمار می‌رود. بسیاری از تحقیقات نشان دادند که ارتباط معناداری بین بزهکاری و خانواده از هم گسیخته وجود دارد. همچنین، ماهیت روابط خانوادگی که در برگیرنده عواملی مانند اختلافات والدین، ارتباط والدین ° کودک و الگوهای نظارتی می‌باشد، بر روی رفتار جوانان تأثیر می‌گذارد (شومیکر، ۱۳۸۹). هرچه میزان اختلاف بین والدین بیشتر بوده و محیط خانه دچار تنش باشد، رابطه والدین با فرزندان‌شان و الگوهای نظارتی که والدین اعمال می‌کنند ضعیف باشد، میزان بزهکاری و رفتارهای پرخطر جوانان افزایش می‌یابد. احساس یگانگی عاطفی با والدین، رفتار توأم با عشق و احترام والدین با فرزندان و وجود سازگاری در زندگی زناشویی باعث می‌شود که نوجوانان و جوانان به طور قابل ملاحظه‌ای گرایش کمتری به انجام رفتارهای بزهکارانه و پرخطر داشته باشند.

تعهد نیز به سرمایه‌گذاری‌هایی اشاره دارد که فرد در

جامعه انجام داده است. هرچه قدر سرمایه‌گذاری‌های مردم در تحصیلات، سوابق شغلی و سایر دارایی‌های خود بیشتر باشد، علت بیشتری دارند که هم‌نوا باشند تا بتوانند از دستاوردهای خود محافظت کنند. بنابراین، به خاطر از دست ندادن سرمایه‌گذاری‌های خود، از قانون پیروی نموده و از بزهکاری و جرم اجتناب می‌کنند. از این منظر، سرمایه‌گذاری‌هایی که افراد در مقوله‌ای مانند تحصیلات انجام می‌دهند، باعث ایجاد تعهد و درگیر شدن آنها در فعالیت‌های علمی شده و وقت چندانی برای مشارکت در رفتارهای بزهکارانه باقی نمی‌گذارد. البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که عدم موفقیت در تحصیل، انگیزه‌های مهمی برای بروز رفتارهای انحرافی در نوجوانان و جوانان ایجاد می‌کند. هیرشی (۱۹۶۹) دریافت کسانی که به والدین‌شان دلبستگی ندارند، به مدرسه نیز تمایلی ندارند. همچنین، وی به این نتیجه رسید که داشتن نگرش‌های مثبت نسبت به تحصیل با میزان پایین‌تری از بزهکاری همراه است.

باور عمومی این است که رابطه‌ای معکوس بین مذهب و بزهکاری وجود دارد (اگرچه عنصر باور یا اعتقاد به عنوان یکی از عناصر چهارگانه نظریه کنترل اجتماعی هیرشی اشاره مستقیمی به مذهب ندارد، اما به علت این که منظور از این عنصر، باور داشتن به اصول اخلاقی رایج در جامعه می‌باشد، بر این اساس مذهب منبع اصلی و عمده شکل دادن به اصول و باورهای هر جامعه‌ای است). هرچه قدر یک فرد پیوندهای قوی‌تری با فاکتورهای مذهبی داشته باشد، رفتارهای بزهکارانه کمتری خواهد داشت. برای مثال، اگر یک فرد در فعالیت‌های مذهبی حضور بیشتری داشته باشد، درگیری وی در بزهکاری کمتر خواهد بود (شومیکر، ۲۰۰۹: ۱۲۸). حضور منظم در کلیسا و ابراز ارزش‌های مذهبی موجب مشارکت بسیار کمتری در بزهکاری، به ویژه در مصرف مواد و الکل و رفتارهای پرخطر می‌گردد. زیرا هم باعث شکل‌گیری باور و اعتقاد نسبت به نادرستی رفتارهای بزهکارانه در افراد می‌شود و هم شرکت آنها در فعالیت‌ها و اعمال مذهبی، فرصت

ارائه می‌گردد:

- برقراری روابط صمیمانه از سوی والدین در محیط خانه و اختصاص وقت برای صحبت کردن با اعضای خانواده.
- تلاش و توجه بیشتر والدین در جهت درونی ساختن ارزش‌های مذهبی و هنجارهای اجتماعی.
- اعمال نظارت بیشتر والدین بر روی فعالیت‌های فرزندان‌شان و داشتن ارتباط مستمر با مدرسه.
- فراهم کردن زمینه مشارکت فرزندان در برنامه‌های مختلف مذهبی، ورزشی و علمی و تشویق و ترغیب آنها برای شرکت در این فعالیت‌ها.
- آشنا ساختن فرزندان با اصول اخلاقی و تأکید بر رعایت آنها تا به عنوان منبع کنترل درونی مانع گرایش افراد به سوی رفتارهای پرخطر گردد.
- کمک به فرزندان جهت انتخاب دوستان و کنترل روابط آنها با دوستان‌شان تا در صورتی که تأثیرات رابطه دوستی منفی باشد، از ادامه آن جلوگیری شود.

منابع

- احمدی، حبیب. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: انتشارات سمت.
- باریکانی، آمنه. (۱۳۸۷). «رفتارهای پرخطر در نوجوانان مدارس راهنمایی و دبیرستان‌های شهر تهران»، *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، سال چهاردهم، ش ۲، ص ۱۹۲-۱۹۸.
- بال، ری و همکاران. (۱۳۹۱). *روان‌شناسی جنایی*، ترجمه: حبیب احمدی، مهدی معینی، نصیبه زنجری و سمیه اسدی، تهران: انتشارات نیاکان.
- حسین چاری، مسعود و دلاورپور، محمدآقا. (۱۳۸۵). «آیا افراد کمرو فاقد مهارت‌های ارتباطی اند؟»، *فصلنامه روان‌شناسان ایرانی*، سال سوم، ش ۱۰، ص ۱۲۳-۱۳۵.

دیگری برای حضور و درگیری در رفتارهای ضد اجتماعی و انحرافی باقی نمی‌گذارد (اسمیت و فاریس^۱، ۲۰۰۲؛ جانسون و همکاران^۲، ۲۰۰۰: ۳۷۷-۳۹۱)

داشتن جهان‌بینی مذهبی در معنابخشی به زندگی، امید به زندگی و احساس امنیت خاطر تأثیر بسزایی دارد و مانند سپری در مقابل از خودبیگانگی و خلأ وجودی عمل می‌کند. به عبارت دیگر، مذهب به زندگی انسان جهت می‌دهد، از او در مقابل فشارهای روانی محافظت می‌کند و سلامت روانی فرد را فراهم می‌کند. در نتیجه، تأمین سلامت روانی، فرد را از مصرف مواد مخدر و الکل (انجام رفتارهای پرخطر) باز می‌دارد (محمدزاده رومیانی، ۱۳۸۶: ۱۶-۲۰).

کمیاب مهارت‌های اجتماعی برای انجام رفتار صحیح موجب ارتکاب اعمال بزهکارانه و رفتارهای پرخطر از سوی افراد می‌گردد. همان‌طور که در آزمون فرضیات مشاهده شد ($r = -0/427$) و ($sig = 0/000$)، رابطه معکوس و متوسطی بین مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر وجود دارد. در معادله رگرسیون نیز مهارت‌های اجتماعی در مرحله چهارم وارد معادله گردید. مجهز بودن افراد به مهارت‌های اجتماعی، آنان را قادر می‌سازد در موقعیت‌های مختلف، واکنش‌های مناسب و منطقی از خود بروز داده و از وقوع رفتارهایی که دارای پیامدهای خطرناک و مضر بوده، جلوگیری نمایند.

آموزش مهارت‌های اجتماعی به جوانان در معرض خطر کمک می‌کند تا تکنیک‌هایی برای ایجاد یا نگهداری روابط اجتماعی مثبت با اعضای خانواده، همسالان و معلمان به وجود آورند. آموزش مهارت‌های اجتماعی می‌تواند دارای اثربخشی طولانی مدت در ارتباط با جلوگیری از وقوع رفتارهای ضد اجتماعی در بین جوانان باشد (هیلبرون و همکاران^۳، ۲۰۰۵). بنابراین، توجه به مقوله مهارت‌های اجتماعی می‌تواند در کاهش رفتارهای پرخطر بسیار مؤثر باشد.

با توجه به نتایج به دست آمده، پیشنهاداتی به شرح زیر

¹ Smith & Faris

² Johnson et al.

³ Heilbrun et al.

- تهران: آگه.
- کارتلج، گندلین؛ میلین، جوآن. (۱۳۶۹). *آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان*، ترجمه: محمدحسین نظری‌نژاد، مشهد: آستان قدس رضوی.
- گرمارودی، غلامرضا؛ مکارم، جلیل؛ علوی، سیده شهره و عباسی، زینب. (۱۳۸۸). «عادات پرخطر بهداشتی در دانش‌آموزان شهر تهران»، *فصلنامه پایش*، سال نهم، شماره اول، ص ۱۳-۱۹.
- محمدی‌اصل، عباس. (۱۳۸۵). *بزهکاری نوجوانان و نظریه‌های انحراف اجتماعی*، تهران: نشر علم.
- محمدزاده رومیانی، مهری. (۱۳۸۶). «نقش گرایش‌های متعالی در کنترل رفتارهای پرخطر دوره جوانی»، *رشد مشاور مدرسه*، دوره دوم، ش ۲ (پیاپی ۷)، ص ۱۶-۲۰.
- مظفرزاده، شهلا و وحدانی‌نیا، مریم سادات. (۱۳۸۷). «دانش بهداشتی در خصوص ایدز در دختران دانش‌آموز دبیرستانی: یک مطالعه مقطعی»، *فصلنامه پایش*، سال هفتم، ش ۲، ص ۱۷۳-۱۸۰.
- مقتدایی، منصوره؛ امیری، شعله؛ مولوی، حسین و استکی آزاد، نسیم. (۱۳۹۰). «اثربخشی برنامه آموزش مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی بر میزان رفتارهای قربانی کودکان پسر مقطع ابتدایی شهر اصفهان»، *فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، سال اول، ش ۲، ص ۱۲۳-۱۳۹.
- ممتاز، فریده. (۱۳۸۱). *انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- نصراصفهانی، احمدرضا؛ فاتحی‌زاده، مریم و فتحی، فاطمه. (۱۳۸۳). «جایگاه مهارت‌های اجتماعی مورد نیاز دانش‌آموزان در کتاب‌های درسی عمومی دوره متوسطه»، *دانشور رفتار*، سال یازدهم، دوره جدید، ش ۹، ص ۶۴-۶۹.
- هارجی، اون؛ ساندرز، کریستین و دیکسون، دیوید. (۱۳۹۲). *مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی*، تهران: آگه.
- رضایی، حوا؛ رفیعی، حسن؛ خدایی، محمدرضا؛ کربلایی نوری، اشرف و حسین زاده، سمانه. (۱۳۹۱). «تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر درمان اعتیاد افراد مراجعه کننده به کلینیک تهران»، *فصلنامه طب توانبخشی*، دوره اول، شماره اول، ص ۶۳-۷۲.
- زاده‌محمدی، علی؛ احمدآبادی، زهره. (۱۳۸۷). «هم‌وقوعی رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان دبیرستان‌های شهر تهران»، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال چهارم، ش ۱۳، ص ۸۷-۱۰۰.
- سلیمانی‌نیا، لیلان. (۱۳۸۶). «تفاوت‌های جنسیتی نوجوانان در ارتکاب انواع رفتارهای پرخطر»، *فصلنامه مطالعات جوانان*، ش ۸-۹، ص ۷۳-۸۶.
- شارع‌پور، محمود. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی شهری*، تهران: انتشارات سمت.
- شومیکر، دونالد. جی. (۱۳۸۹). *نظریه‌های بزهکاری*، ترجمه: صغری ابراهیمی قوام، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
- طالبان، محمدرضا. (۱۳۸۳). «تحلیل کواریانس ساختاری بزهکاری نوجوانان»، *فصلنامه مطالعات جوانان*، ش ۷، ص ۳-۳۴.
- علیوردی‌نیا، اکبر؛ رضایی، احمد و پیرو، فریبرز. (۱۳۹۰). «تحلیل جامعه‌شناختی گرایش دانشجویان به خودکشی»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و دوم، ش ۴ (پیاپی ۴۴)، ص ۱-۱۸.
- قاسم‌زاده، لیلی؛ شهرآرای، مهرناز و مرادی، علیرضا. (۱۳۸۶). «بررسی نرخ شیوع اعتیاد به اینترنت در دختران و مقایسه دختران معتاد و غیرمعتاد به اینترنت در متغیرهای تنهائی، عزت نفس و مهارت‌های اجتماعی»، *روان‌شناسی معاصر*، دوره دوم، ش ۱، ص ۳۲-۴۰.

- Available at: www.sciencedirect.com. (18 Oct 2012).
- Heilbrun, K. Goldstein, N.E. S. Redding, R.E. (2005) *Juvenile Delinquency: Prevention, Assessment, and Intervention*. (Eds.) Oxford: Oxford University Press.
- Hirschi, T. (1969) *Causes of Delinquency*. Berkeley: University of California Press.
- Irwin, C. Millstein, S. (1986) "Biopsychosocial Correlates of Risk-taking Behaviors during Adolescence: Can the Physician Intervene?" *Journal of Adolescent Health care*, Vol. 7, p. 82S-96S.
- Johnson, B. Larson, D.B. de Li, S. Yang, S.J. (2000) "Escaping from the Crime of Inner Cities: Church Attendance and Religious Salience among Disadvantaged Youth". *Justice Quarterly*, Vol. 17, p. 377-391.
- Jessor, R. (1998) *New Perspectives on Adolescent Risk Behavior*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Jessor, R. (1992) "Risk Behavior in Adolescence: A Psychosocial Framework for Understanding and Action," *Developmental Review*, Vol. 12, p. 374-390.
- Levine, S.B. Coupey, S.M. (2003) "Adolescent Substance Use, Sexual Behavior, and Metropolitan Status: Is Urban a Risk Factor?" *Journal of Adolescent Health*, Vol. 32, p. 350-355. Available at: www.sciencedirect.com. (18 Oct 2012).
- Lin, N. (1978) *Foundations of Social Research*. New York: McGraw Hill.
- Secer, Z. Celikoz, N. Kocyigit, S. Secer, F. Kayili, G. (2009) "Social Skills and Problem Behaviour of Children With Different Cognitive Style Who Attend Preschool Education", *Procedia: Social and Behavioral Sciences*, Vol. 1, p. 1554-1560. Available at: www.sciencedirect.com. (10 Oct 2012).
- Shoemaker, D.J. (2009) *Juvenile Delinquency*. Plymouth: Rowman and Littlefield Publishers Inc.
- Smith, C. Faris, R. (2002) "Religion and American Adolescent Delinquency, Risk Behavior and Constructive Social Activities: A Research Report of the National Study of Youth and Religion", Number 1. Electronic Document. Available at: <http://www.youthandreligion.org/publications/docs/RiskReport1.pdf>. (10 Oct 2012).
- Valencia, L.S. Cromer, B.A. (2000) "Sexual Activity and Other High-Risk Behaviors in Adolescents with Chronic Illness: A Review," *Journal of Pediatric and Adolescent Gynecology*, Vol. 13, p. 53-64.
- ترجمه: خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت، تهران: رشد.
- Anteghini, M. Fonseca, H. Ireland, M. Blum, R.W. (2001) "Health Risk Behaviors and Associated Risk and Protective Factors Among Brazilian Adolescents in Santos Brazil", *Journal of Adolescent Health*, Vol. 28, p. 295-302. Available at: www.sciencedirect.com. (10 Oct 2012).
- Barkin, S.L. Smith, K.S. Durant, R.H. (2002) "Social Skills and Attitudes Associated With Substance Use Behaviors Among Young Adolescents", *Journal of Adolescent Health*, Vol. 30, p. 448-454. Available at: www.sciencedirect.com. (15 Nov 2012).
- Baskin-Sommers, A. Sommers, I. (2006) "The Co-Occurrence of Substance Use and High-Risk Behaviors", *Journal of Adolescent Health*, Vol. 38, p. 609-611. Available at: www.sciencedirect.com. (18 Oct 2012).
- Beirne, P. Messerschmidt, J.W. (2011) *Criminology: A Sociological Approach*. Oxford: Oxford University Press.
- Bergman, M. M. Scott, J. (2001) "Young Adolescents' Well-Being and Health-Risk Behaviors: Gender and Socioeconomic Differences", *Journal of Adolescence*, Vol. 24, P. 183-197. Available at: www.sciencedirect.com. (10 Oct 2012).
- Bernburg, J.G. (2009) "Labeling Theory". In M. D. Krohn; A.J. Lizotte; G. P. Hall, (Eds.) *Handbook of Crime and Deviance*, New York: Springer, p 187-208.
- Berry, D. O'Connor, E. (2010) "Behavioral Risk, Teacher-Child Relationships, and Social Skill Development Across Middle Childhood: A Child-by-Environment Analysis of Change", *Journal of Applied Developmental Psychology*, Vol. 31, p. 1-14. Available at: www.sciencedirect.com. (15 Nov 2012).
- DeMatteo, D. Marczyk, G. (2005) "Risk Factors, Protective Factors, and the Prevention of Antisocial Behavior Among Juveniles". In K. Heilbrun,; N. E. S. Goldstein.; R. E. Redding, (Eds.) *Juvenile Delinquency: Prevention, Assessment and Intervention*, Oxford: Oxford University Press. p. 19-44.
- Erikson, K. Crosnoe, R. Dormbusch, S.M. (2000) "A Social Process Model of Adolescent Deviance", *Journal of Youth and Adolescence*, Vol. 29, No. 4, p.395-425.
- Flisher, A.J. Chalton, D.O. (2001) "Adolescent Contraceptive Non-use and Covariation Among Risk Behaviors", *Journal of Adolescent Health*, Vol. 28, PP. 235-241.

Wilson, S.R. & Sabee, C.M. (2003) "Explicating Communicative Competence As A Theoretical Term", In, J. O. Greene & B. R. Burleson, (Eds.) *Handbook of Communication and Social Interaction Skills*. New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates, p. 3-50.

Van Vugt, E.S. Dekovic, M. Prinzie, P. Stams, G.M. Asscher, J.J. (2013) "Evaluation of A Group-Based Social Skills Training for Children With Problem Behavior", *Children and Youth Services Review*, Vol. 35, p. 162-167. Available at: www.sciencedirect.com. (15 Nov 2012).

